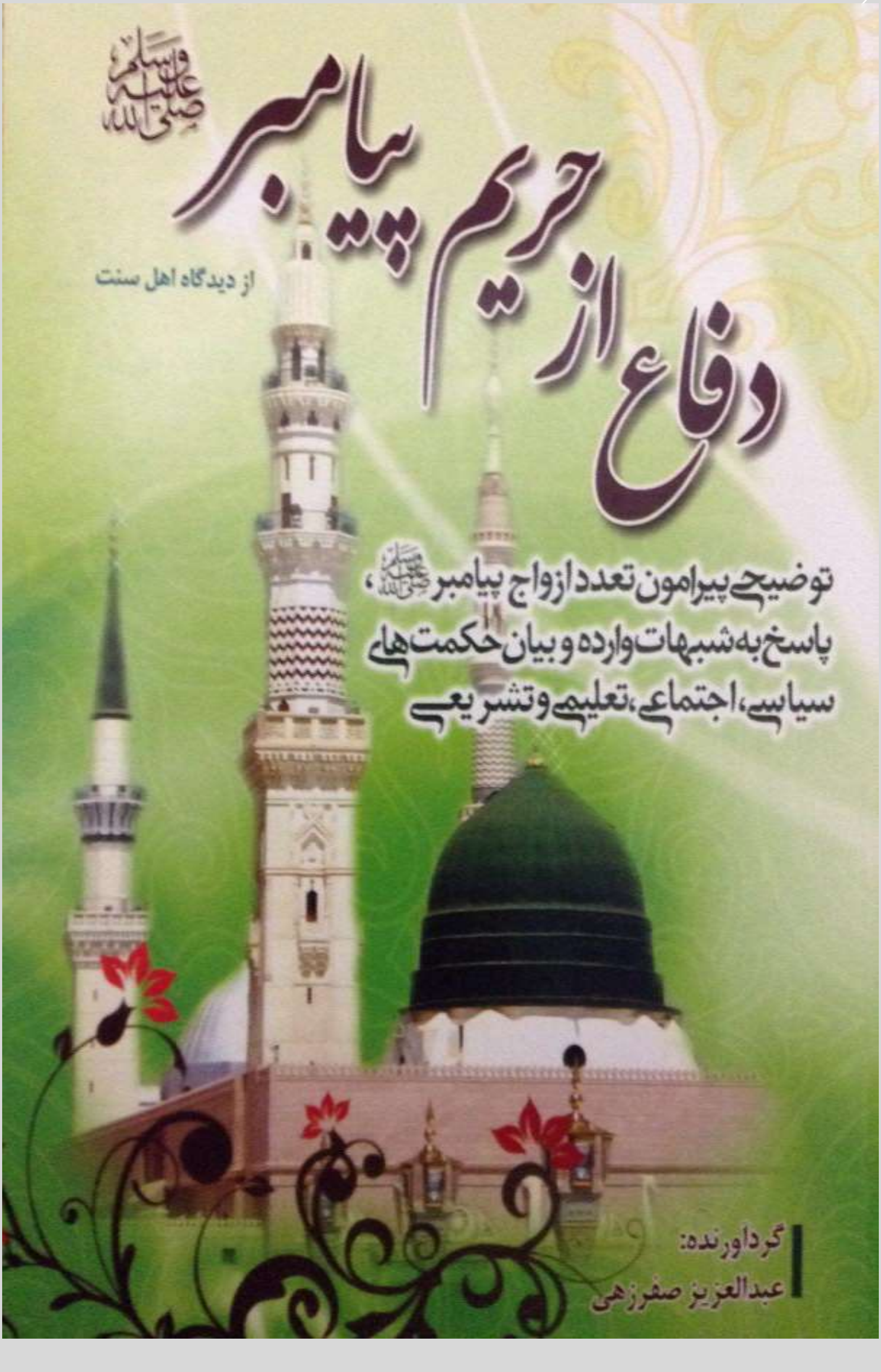
صلی الله علیه وسلم
دفاع از حریم پیامبر
از دیدگاه اهل سنت
توضیحی پیرامون تعدد ازواج پیامبر ﷺ،
پاسخ به شبهات وارده و بیان حکمت های
سیاسی، اجتماعی، تعلیمی و تشریعی
گردآورنده:
عبدالعزیز صفرزهی

سنی بوک_بزرگترین مرجع کتب و نرم افزار اسلامی

www.sunnibook.net

آدرس اینترنتی	عنوان سایت
www.SunniBook.net	سنی بوک | دریافت سریع کتب اهل سنت
www.SunnatDownload.com	سنت دانلود | مرکز دانلود فایل های اسلامی
www.Aqeedeh.com	عقیده | کتابخانه آنلاین اهل سنت
www.SunniOnline.us	سنی آنلاین | پایگاه اطلاع رسانی اهلسنت ایران
www.SunnatOnline.com	سنت آنلاین | دریافت آخرین اخبار و مقالات اهل سنت
www.SunniWeb.org	سنی وب | مرکز طراحی و آموزش سایت های اهل سنت

این کتاب

ازکتابخانه سنی بوک دانلود شده برای دریافت کتب بیشتر مارا از طریق آدرس اینترنتی و کانال تلگرام سنی بوک دنبال کنید.

آدرس اینترنتی : www.SunniBook.net

کانال تلگرام : https://telegram.me/sunnibookarchive

با کلیک روی موضوع به صفحه مربوطه منتقل می شوید

مقدمه........ ۲
پیش در آمد........ ٤
۱- حکمت تعلیمی :........ ۱۲
۲-حکمت تشریعی:........ ۱٦
۳- حکمت اجتماعی:........ ۲۰
۴- حمکت سیاسی:........ ۲۲
امهات المؤمنین........ ۲۷
شرف انتساب به سید المرسلین........ ۲۸
۱- حضرت خدیجه بنت خویلد........ ۲۹
۲-حضرت سوده بنت زمعه (رضی الله عنها)........ ۳۲
۳-حضرت عایشه بنت ابی صدیق (رضی الله عنها)........ ۳۳
۴- حضرت حفصه بنت عمر (رضی الله عنها)........ ۳۵
۵- حضرت زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها)........ ۳۷
۶- حضرت زینب بنت حجش (رضی الله عنها)........ ۳۸
۷-حضرت ام سلمه (هند)بنت ابی امیه(رضی الله عنها)........ ٤۲
۸- حضرت ام حبیبه بنت ابی سفیان ﵂........ ٤٤
۹- حضرت جویریه بنت الحارث ﵂........ ٤٥
۱۰- حضرت صفیه بنت حُیی بن اخطب (رضی الله عنها)........ ٤٥
۱۱- حضرت میمونه بنت الحارث الهلالیه (رضی الله عنها)........ ٤٥
ماریه قبطیه بنت شمعون (رضی الله عنها)........ ٤۷
حکمت تعدد زوجات........ ٤۸
امهات المؤمنین الگوی تمام زنان دنیا........ ٤۹
مصلحت ها........ ٥۱
ازواج مطهرات در عرصه ی روایت حدیث........ ٥۳
شجره همسران انبیای گذشته........ ٥٤
حضرت سلیمان........ ٥٦
توان جسمی پیامبران........ ٥۷
پیامبر به دنبال اشباع غریزه نبود........ ٥۸
اسوه ی جهان........ ٦۲
فهرست منابع و مآخذ........ ٦٥

مقدمه

بنام آغاز سخن بنام یکتا آن کس که جهان از اوست زیبا

الحمدلله رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الصَّلَاةِ وَ السَّلَامُ عَلَيَّ أَفْضَلُ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ مُحَمَّدِ نالصادق الْأَمِينُ وَ آلِهِ وَ صَحِبَهُ أَجْمَعِينَ وَ مَنْ تَبِعَهُمْ بِإِحْسَانٍ إِلَيَّ يَوْمَ الدِّينِ.

اما بعد:

آن گاه که بشر قدم بسوی پیشرفت، ترقی وماده پرستی نهاد ، ودر واقع قدم بسوی تباهی و هلاکت گذارد ، و از فطرت ملکوتی خویش فاصله گرفته و در ورطهی حیوانیت دچار شد و در اوج پستی و گمراهی گرفتار آمد خداوند پیامبران را فرستاد تا ایشان را براه سعادت و نجات رهنمون شوند.

ولی اکنون بعد از گذشت هزار و چهار صد سال که دروازه نبوت بسته شد و چشمها دیگر بسوی آسمان دوخته نیست ، نسل بشر را چه کسی راهنمایی و ارشاد میکند؟ آیا پیامبر جدیدی خواهد آمد؟ هرگز ،چون خداوند با فرستادن آخرین پیامبر ، حجت را بر بندگان تمام کرد عقلها را کامل نمود چ معجزه ی جاودان و هدایت ابدی(قرآن)را برای بشر به ارمغان آورد، و دیگر نیازی به پیامبران پیدا نخواهد شد.

ولی بشر چون گاه گاهی بنابر طبع حیوانیش راه را گم میکرد، لذا خداوند مرشدان و مصلحاتی از میان خود آنان بلند کرد ،تا ایشان را متذکر شوند.

امروزه اگر میبینیم که عده ای بلند شدند(بنابر عدم اگاهی و سا بخاطر کینه ورزی) و شبهاتی وارد میکنند. ویا به پیامبر عظیم الشان اسلام ،اهانت می

کنند، علت آن کوتاهی خود مسلمانان است چرا که مسلمانان به وظیفه و تکلیف دینی خویش چندان عمل نکردند و سیره ی پاک واطهر پیامبر صل الله علیه و آله و سلم را برای جهانیان معرفی ننمودند.

بنابراین با خود لازم دانستم برای اینکه حداقل کاری در راستای دین و دفاع از پیامبر عطوفت و رحمت صل الله علیه و آله و سلم انجام داده باشم، شروع به ترجمه و برگردان سخنرانی عربی علامه محمد علی صابونی به زبان فارسی نمودم. سخنرانی ایشان(شبهات و اباطیل حول وتعدد زوجات الرسول صل الله علیه و آله و سلم)نام دارد که آن را در کنفرانس(رابطة العالم الاسلامی) در مکه مکرمه ایراد کرده اند.

و نیز به منظور رفع شبهه ی خوانندگان عزیز و روشن شدن حکمت تعدد زوجات پیامبر صل الله علیه و آله و سلم بنده نیز به دلایل و بحث‌های دیگری بر آن افزودم که برای خوانندگان عزیز خالی از لطف نیست. امیدوارم مورد قبول درگاه حق قرار گیرد. ور پایان از تمامی کسانی که مرا در این مهم یاری کردند تشکر می‌کنم و از خداوند موفقیت. دنیا و آخرت را برای ایشان آرزومندم.

عبدالعزیز صفر زهی

۱۳۸۷/۰٤/۱۰

حوزه علمیه دارالعلوم مکی زاهدان

پیش در آمد

حمد و سپاس خداوند را و درود بیکران بر خاندان و اصحاب پاک طینتش و بر تابعین ، آنانی که به حق از صحابه(رضی الله عنهم اجمعین) پیروی کردند.

ابتدای کلامم را با سلام و تحیت اسلام آغاز می‌کنم، سلامی میمون و مبارک، که از جانب خداوند بر بندگانش فرستاده شده ،واز خداوند می‌خواهم تا قلب های کت را بر محبت و آنچه که موجب رضای او تعالی است گرد آورده وعت توفیق اخلاص صداقت در گفتار و کردار ،ایمان کامل و یقین صادقانه عنایت کند ،چرا که او شنوا و احیانا کننده ی دعا است.

برداران گرامی!

آیا تاکنون به خورشید پرتو افکن و درخشنده، نگریسته اید که چگونه هیچ پرده و حجابی او را نپوشانده و هیچ ابر ومهی ام را مخفی نمی‌کند در صورتی که اگر کسی بخواهد تا آن را خاموش کند و یا آن را از چشم دیگران مخفی نگهداشته و با دهانش به آن فوت کرده یا عبایش را به سمت خورشید دراز کند و این کارش بخواهد جلوی جلوه گری خورشید را بگیرد ، آیا نور خورشید از بین می‌رود آیا پرتو های روشن آن دست پرده مخفی نمی‌ماند؟ خیر ،هرگز چنین نمی شود.

چراغی را که ایزد بر فروزد چو ابله پف کند ریشش بسوزد همچنین خورشیدی که ما می‌خواهیم(در این غروب زیبا) درباره‌ی آن سخت بگوئیم چنین است.

ای برادران! آن برای شما از خورشید آسمان سخن نمی‌گویم بلکه از خورشید فروزنده‌ی زمین سخن خواهم گفت! من از خورشید سوزان نمی‌گویم بلکه از خورشید تابان سخن خواهم گفت ،آیا این خورشید را شناختید؟

آری، این خورشید نبوت ،خورشید رسالت و خورشید هدایت و عرفان است. این همان روشنایی درخشان ،نور پرتو افکن و چراغ فروزانی است که خداوند بوسیله آن شقاوت زندگی را از بین بُرد و مردم را از تاریکی های گمراهی بسوی نور هدایت سوق داد. این خورشید ذات اقدس محمدی است ،ذات پیامبر گرامی اسلام که بهترین درودها و سلام‌ها بر او باد و راست گفت خداوند که فرمود:

﴿ يُرِيدُونَ لِيُطفِئواْ نورَ ٱللهِ بِأَفوٰهِهِم وَٱللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَو كَرِهَ الكـٰفِرُونَ۞ هُوَ الَّذِى أَرسَلَ بِٱلهُدَىٰ وَدِينِ ٱلحَقِ لِيُظهِرَهُۥ عَلَى ٱلدّ ينِ كُلّهِ وَ لَو كَرِهَ ٱلمُشرِ كُونَ ﴾ [1]

می‌خواهند نور(آئین) خدا را با دهان هایشان خاموش گردانند ، ولی خدا نور خود را کامل مبگرداند ،هر چند که کافران دوست نداشته باشند.

خداوند است که پیغمبر خود را همراه ر با هدایت و رهنمود(آسمانی) وآیین راستین(اسلام) فرستاده است تا این آیین را بر همه آیین‌های دیگر چیره گرداند هنر چند مشرکان دوست نداشته باشند.

آری این خورشید زمین است ،خورشیدی که در این(غروب زیبا) سخن ما بر محور آن می‌چرخد و قرآن کریم با این توصیف زیبا و جامع از آن سخن می‌گوید:

[1] سوره صف آیه۹و۸

دفاع ازحریم پیامبر

﴿ یَـٰٓأَیُّهَا ٱلنَّبِیُّ إِنَّآ أَرۡسَلۡنَـٰكَ شَـٰهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِیرًا ۞ وَ دَاعِیًا إِلَى اللهِ بِـإِذۡنِهِ وَسِرَاجاً مُّنِیراً ﴾[1]

ای پیغمبر! ما تو را به عنوان گواه و مژده و بین دهنده فرستادیم. و به عنوان دعوت کننده به سوی خدا طبق فرمان الله و به عنوان چراغ تابان.

این چراغ روشن و فروزان چیز دیگری غیر از خورشید نبوت نیست ،خورشیدی که با نور و شعاع زیبایش همه جا را روشن نمود ،و با نور خیره کننده اش بر جهان سرک کشید و با اولین نگاه صاحبان بصیرت و فهم او را دیدند و کوران و کج بینان انکارش کردند.

در این باره شاعر چه زیبا می‌فرماید:

گر نبیند به روز شب پره چشم   چشمه‌ی آفتاب را چه گناه

از دیرباز دشمنان اسلام قدم در راه شبهه افکنی در ذات اقدس پیامبر اعظم و طعنه زدن در رسالت، و صدمه وارد کردن به کرامت ایشان اند و دروغ ها و اباطیلی را به ایشان نسبت می‌دهند تا مسلمانان را نسبت به دینشان دچار شک و تردید کرده و مردم را از ایمان آوردن به رسالت پیامبر صل الله علیه و آله و سلم دور کرده و منصرف کنند.

و جای هیچ تعجبی نیست که امروزه امثال این افترائات وبهتان‌ها وگمراهی که به انبیا و پیامبران خدا نسبت داده می‌شود بشنویم، چرا که این سنت خداوند است و سنت الهی هیچ گاه تغییر نمی‌خورد و خداوند می‌فرماید:

---

[1] آیه ۴۵،۴۶سوره احزاب

﴿ وَ کَـذٰ لِـكَ جَعَلنـا لِکُـلِ نَبـیٍ عَـدُوًّا مِّـنَ ٱلمُجـرِمِینَ وَكَفَـیٰ بِرَبِّـك هَادِیـاً وَ نَصِـیراً ﴾ [۱] اینگونه برای هر پیغمبری گروهی از بزهکاران را دشمن ساخته ایم و همین بس که خداوند تو را رهنما و یاور باشد.

قبل از اینکه درباره ی امهات المومنین و حکمت ازدواج پیامبر صل الله علیه و آله و سلم با آن‌ها سخن بگوییم دوست داریم به شبهات ناخوشایند و بیماری زایی که گاه گاهی از دشمنان از قبل صلیبان کینه توز و غریبان متعصب جهت گرفتن انتقام ایجاد کرده‌اند را پاسخ داده و رد می‌کنیم.

آن‌ها با تکرار زیاد این شبهات می‌خواهند عقاید مردم را فاسد کرده و چهره حقایق را زشت و نازیبا جلوه داده و از بین ببرند و از این کارشان می خواهند شخصیت صاحب این رسالت بزرگ یعنی محمد مصطفی صل الله علیه و آله و سلم را خدشه دار کنند.

و چنین می‌گوید که حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم (نعوذ بالله) مردی شهوت پرست بود که پیوسته به دنبال خواهش های نفسانی و لذت بخش بوده و با آن حرکت می‌کرد به گونه ای که به یک یا دو و یا چهار(آنگونه که به پیروانش توصیه می‌کرد.) اکتفا نکرده بلکه همسران متعددی داشت و به خاطر هوا و هوس ده همسر و حتی بیشتر از آن را ازدواج نمود!

همچنین می‌گویند در بین حضرت عیسی السلام علیه و حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم فرق بسیار بزرگی وجود دارد چرا که فرق است میان کسی که بر خواهش های نفسش غلبه کرده و با آن مبارزه می‌کند(مانند حضرت

---

[۱] آیه ۳۱سوره فرقان.

عیسی السلام علیه و بین کسی که با خواهشاتش حرکت کرده و به دنبال اهداف نامشروع خویش می‌رود(همانند حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم)!

﴿ کَبُرَت کَلِمَةً تَخرُجُ مِن أَفوَ ٰهِهِم إِن یَقُولُونَ إِلَّا کَذِباً ﴾ [1]

(چه سخن بزرگی از دهان هایشان بیرون می‌آید آنان جز دروغ و افترا چیز دیگری نمی‌گویند)

براستی که این‌ها دورغگو و کینه توزند: چرا که حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم مردی شهوت پرست نبودند بلکه فرستاده و پیامبری از میان خود انسان‌هاست و همانگونه که دیگران ازدواج کردند ایشان هم ازدواج نمودند تا در راه و منش درست زندگی الگوی دیگر افراد باشند.

(نعوذ بالله) حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم خدا و یا فرزند خدا نبود آنگونه که مسیحیان در مورد پیامبرشان اعتقاد دارند بلکه او انسانی همچون دیگر افراد بشر بود که خداوند او را با فرستادن وحی و رسالتش بر سایرین فضیلت داد﴿ قُل إِنَّمَآ أَنَاْ بَشَرٌ مِّثلُکُم یُوحَى إِلَیَّ ﴾ [2] بگو: من فقط انسانی همچون شما هستم که به من وحی می‌شود.

و حضرت محمد صل الله علیه و آله و سلم پیامبر جدیدی نبود تا با روش و طریقه ی دیگر انبیا مخالفت کرده و یا سنّت و منش آن‌ها را بشکند و قرآن کریم با این قول خداوندی از احوال پیامبران بزرگوار الهی چنین حکایت می‌کند

---

[1] سوره کهف آیه۵.

[2] سوره کهف آیه ۱۱۰

﴿ وَ لَقَد أَرسَلنَا رُسُلاً مِّن قَبلِكَ وَجَعَلنَا لَهُم أَزوَ ٰجاً وَ ذُرِيَةً ﴾ [1]

وما پیش از تو پیامبرانی روانه کردیم و زنان و فرزندانی بر ایشان داده‌ایم.

با این همه پس چرا توفان ها وگردبادهای بهتان و افترائات رادر حق خاتم النبیین به حرکت در می‌آورند؟ ولیکن همانطوریکه شاعر می‌گوید:

قَدْ تنکر الْعَیْنِ ضَوْءِ الشَّمْسِ مِنْ رَمَدِ وَ ینکر الْفَمِ طَعْمَ الْمَالِ مِنْ سَقَمٍ

گاهی چنین می‌شود که چشم بخاطر درد زیاد نور خورشید را انکار کرده و دهان هم بخاطر بیماری طعم شیرین آب را احساس نمی‌کند. و خداوند درباره‌ی این افراد چنین فرموده است:

﴿ فَإِنَّهَا لَا تَعمَى ٱلأَبصَرُ وَلَـٰكِن تَعمَى ٱلقُلُوبُ ٱلَّتِى فِي ٱلصُّدُرِ ﴾ [2]

چرا که این چشم‌ها نیستند که کور می‌گردند. بلکه این دل‌های درون سینه‌ها هستند که نابینا می‌شوند.

برادران عزیز! در اینجا دو نکته اساسی وجود دارد که هرگونه شبهه و گمان را نسبت به ذات پیامبر صل الله علیه و آله و سلم دفع می‌کند و دهان هر شخص یاوه گو و دروغگو را که می‌خواهد به شخصیت محمد بن عبدالله آسیب و یا خدشه ای وارد کند می‌بندد.

---

[1] سوره رعد آیه ۳۸.

[2] سوره حج آیه ۴۶

بر ما لازم است تا از این دو نکته اساسی هیچ گاه غافل نشویم و هر زمانی که می‌خواهیم از امهات المومنین یا حکمت تعدد زوجات پیامبر صل الله علیه و آله و سلم سخن بگوئیم این دو نکته را نصب العین خود قرار دهیم.

این دو نکته عبارتند از:

۱- هیچ گاه پیامبر صلی الله علیه و سلم تعداد همسرتان را افزایش نداد مگر زمانی که پا به سن کهنسالی و پیری گذاشت یعنی بعد از اینکه عمر ایشان از پنجاه سال تجاوز کرد.

۲- تمام همسران پیامبر صلی الله علیه و سلم بیوه بودند بجز حضرت عایشه(رضی الله عنها) که ایشان دوشیزه بودند و او تنها زنی است از میان همسران پیامبر که با ایشان در سن نوجوانی و دوشیزه گی ازدواج نمود.

و از این دو مطلب به سادگی پوچ بودن این تهمت ها و باطل بودن این ادعاهایی دروغین که مستشرقین کینه توز به پیامبر نسبت می دهند درک می شود.

پس اگر(نعوذ بالله) هدف پیامبر از ازدواج شهوت رانی ویاگرا ارضایی غریزه و لذت بردن از زنان می بود حتماً در سنین جوانی ازدواج می نمود نه ونه در سن پیری ، با دختران دوشیزه ازدواج می کرد نه با بیوه زنان مسن و کهنسال، در حالی که پیامبر صلی الله علیه و سلم وقتی جابر بن عبدالله می بیند که آثار طراوت و عطر بر چهره و لباس او هویدا است می فرماید: با دوشیزه ای ازدواج نموده ای یا بیوه زنی؟ حضرت جابر رضی الله پاسخ می دهد با بیوه ای ازدواج کردم.

پیامبر صلی الله علیه و سلم می فرماید چرا با دوشیزه ای ازدواج نکردی تا بایک دیگر ملاعبه و بازی کنید ویک دگر را بخندانید؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم به حضرت جابر رضی الله عنه مشوره داد با دوشیزه ای ازدواج نماید. پس برای کسی که راه بهره بردن و روش بر آورده کردن شهوت را می داند آیا عاقلانه است که خودش با زنان بیوه ازدواج کند و ازدواج با دختران جوان و زیبا را ترک نماید؟ و یا اینکه در زمان جوانی از ازدواج صرف نظر نماید در عالی که هدفش لذت بردن و ارضایی غریزه شهوانی است ودراسات سن پیری ازدواج کند ؟ آیا این حرف قابل قبول است!!

بزرگ کسی پوشیده نیست که اصحاب(رضی الله عنهم أجمعین)در قبال پیامبر صلی الله علیه و سلم به گونه ای بودند که قلب و روحشان را فدایی ایشان می کردند، با این همه اگر چنانچه پیامبر صلی الله علیه و سلم خواستار ازدواج با دختری می شد آنها نه تنها درنگ نمی کردند بلکه بهترین و زیباترین دختران را به ازدواج ایشان در می آوردند.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم با وجودی که همه این ها را می داند چرا در همان ابتدا و عنفوان جوانی تعداد همسرانش را افزایش نداد و ازدواج مجدد ننمود؟چرا ازدواج دوشیزگان و دختران را ترک کرده وبا بیوه زنان ازدواج نمود؟ چرا وصد ها چرای دیگر بدون شک آنچه گفته شده تمام افتراءات وتوطئه ها را بی اثر کرده و هر شبهه و بستانی را که با آن می خواهند به شخصیت مبارک پیامبر صلی الله علیه و سلم آسیب وارد کنند و یا شهرت جهانی و بی ریا ایشان را کم رنگ جلوه دهند ، از بین برده و به صاحبانش باز می گرداند.

ازدواج های پیامبر صلی الله علیه و سلم به خاطر هوا و هوس و شهوت نبوده، بلکه بنا بر حکمت های با ارزش هدف های والایی بود که بر همگان هویدا می شود، به شرطی که دشمنان این تعصبات و کوته نظری ها را کنار گذاشته و از عقل و منطق کار بگیرند در این صورت است که قطعاً به والا بودن این هدف پی برده و اقرار خواهند نمود و زندگی پیامبر صلی الله علیه و سلم را به عنوان نمونه کامل و الگوی برتر خواهند شناخت. و در وجود این انسان

ارجمند و گرامی و پیامبر عطوفت و رحمت کسی را خواهند یافت که راحتی اش را به خاطر منافع دیگران وبه خاطر اسلام وجدانی شدن آن به خطر وی اندازد.

برادران گرامی! تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه و سلم حکمت های زیادی را در بر دارد که ما آن را به صورت خلاصه ذکر می کنیم

۱- حکمت تعلیمی؛

۲- حکمت تشریعی؛

۳- حکمت اجتماعی؛

۴- حکمت سیاسی؛

در این نوشتار در ابتدا از حکمت های چهار گانه بحث کرده و بدنبال آن بحث أمهات المؤمنین را به میان می آوریم و حکمت های ازدواج پیامبر صلی الله علیه و سلم را به صورت مستقل ذکر خواهیم کرد.

۱- حکمت تعلیمی :

هدف اساسی پیامبر صلی الله علیه و سلم از ازدواج های متعدد این بود تا زن های معلمی پرورش و آموزش دهد تا به دیگر زنان مسلمان احکام شرعی را تعلیم دهند. چرا که زنان بخش بزرگی از جامعه معه را تشکیل می دهند ، و هم چنین تکالیفی که بر مردان فرض شده، انجام آن نیز بر زنان هم لازم قرار داده شده است.

در روایات بسیاری آمده است که بسیاری از زنان شرم می کردند از اینکه در محضر پیامبر صلی الله علیه و سلم حضور بیابند و در مورد احکام شرعی از ایشان سوال کنند بالاخص در مورد مسائلی که به زنان تعلق داشت همانند حیض، نفاس، جنابت و دیگر امر زناشویی، و اگر زنی می خواست از پیامبر

صلی الله علیه و سلم در مورد این مسائل سوالی بپرسد باید شرم و حیا خودش غلبه می کرد و این امر به آسانی ممکن نبود . پس لازم بود که زنان تعلیم یافته ای باشند تا در چنین مسائلی مرجع دیگر زنان قرار گیرند.

یکی از خصوصیات بارز رسول اکرم صلی الله علیه و سلم وقار و حیا پیش از حد ایشان بود همان طور که در کتب حدیث آمده که حیا ایشان از دختران هم بیشتر بود، پس در نتیجه رسول الله صلی الله علیه و سلم نمی توانست به هر سوالی که از طرف زنان مطرح می شد با صراحت کامل پاسخ دهد، بلکه در بعضی مواقع جواب سوال را به صورت کنایه ذکر می کرد و زنان هم منظور پیامبر را متوجه نمی شدند و مشکلاتی به وجود می آمد که قابل جبران نبود و برای رفع این مشکل نیاز به راه حلی بود.(و راه حلّ دیگری غیر از آموزش بعضی از زنان بعنوان معلم وجود نداشت.)

حضرت عایشه (رضی الله عنها) روایت میکند که روزی زنی از انصار نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و در باره ی غسل حیض(دوران قاعدگی) از ایشان سوال کرد. رسول اکرم صلی الله علیه و سلم روش غسل را به آن زن تعلیم داد وبه او فرمود : قطعه ای از پنبه ی معطر شده با عطر را بردار وبا آن خودت را پاک کن ، زن گفت که چگونه یا رسول الله؟ پیامبر فرمود : سبحان الله! با آن خودت را پاک کن.

حضرت عایشه رضی الله عنها میفرماید: وقتی من این وضعیت را دیدم رفتم و آن تکه پنبه را از دست زن گرفتم و به او گفتم این را در فلان جای مخصوص بگذار و با آن اثر خون را پاک کن، می فرماید: من محل گذاشتن پنبه را برای او صراحتاً ذکر کردم تا اینکه متوجه شد.

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم از این که چنین مسائلی را صراحتاً ذکر کند حیا می کردند، و همچنین تعداد زنانی که می توانستند بر شرم و حیاشان غلبه

کنند و صراحتاً در باره ی مسائلی که باید آنها اتفاق می افتاد از پیامبر صلی الله علیه و سلم سوال کنند خیلی کم بود.

بعنوان مثال حدیث ام سلمه رضی الله عنها را که در صحیحین (بخاری و مسلم) آمده برای شما ذکر می کنیم. ایشان می فرمایند:روزی ام سلیم (همسر ابی طلحه) نزد پیامبر صلی الله علیه و سلم آمد و گفت: یا رسول الله صلی الله علیه و سلم خداوند از گفتن حق باکی ندارد . آیا زن هنگامی که احتلام شود بر او غسل لازم است؟ پیامبر صلی الله علیه و سلم فرمود: بله هر زمان که خروج آب را ببیند بر او غسل لازم می شود حضرت امام سلمه به ام سلیم فرمود : با این سوالت آبروی زنان را بردی آیا مگر زنانه احتلام می شوند ؟ پیامبر به ایشان جواب داد پس شباهت مادر و فرزند از کجاست؟ منظور رسول الله صلی الله علیه و سلم این بود که جنین از منی مرد و زن بوجود می آید و به همین خاطر میبینیم که در بعضی مواقع فرزند شباهت خاصی به مادر یا پدر پیدا می کند. و خداوند تبارک و تعالی فرموده است:

﴿ إنّا خَلَقنَا الإنسانَ مِن نُطفَةِ أمشَاجِ نُبتَلِيهِ فَجَعَلنَا هُ سَمِيعَاً بَصِيرا ﴾ [1]

(ما انسان را از نطفه آمیخته آفریده ایم و چون او را می آزماییم وی را شنوا و بینا کردیم.)

ابن کثیر رحمه الله در تفسیر این آیه می فرماید.:أمشاج یعنی اخلاط (مخلوط)

(المشج و المشیج) به چیزی گفته می شود که اجزایی آن با هم مخلوط و ترکیب شده باشد.

[1] سوره دهر آیه ٣

و ابـن عبـاس رضـی الله عنـه مـی فرمایـد: منظـور از (امشـاج) اینسـت کـه منـی زن و مرد یکجا جمع شده و با هم مخلوط شود.

و هماننـد ایـن سـوال هـا، سـوال هـای دشـوار دیگـر بودنـد کـه بعـد از آن ازدواج مطهّـرات پاسـخ دادن بـه آن هـا را بعهـده گرفتنـد. حضـرت عایشـه رضـی الله عنهـا میفرمایـد: خداونـد زنـان انصـار را مـورد رحمـت خـویش قـرار دهـد چـرا کـه هیچگـاه حیـا مـانع آنهـا نشـد از اینکـه آموزه‌هـا ی دینـی را فـرا بگیرنـد بلکـه آن را فـرا بگیرنـد بلکه آن را فرا گرفتند و در آن فقیه و متبحر شدند.

زنـان انصار(رضـی الله عـنهم) بـه گونـه ای کـه حتـی بعضـی از آنهـا هنگـام شـب نـزد حضـرت عایشه(رضـی الله عنهـا) مـی آمدنـد تـا از امـور دیـن و احکـام حـیض و نفـاس و امـور دیگـر از ایشـان سـوال کننـد . پـس ازدواج مطهّـرات بهتـرین معلمـان و توجیـه کننـدگان بـرای قشـر زنـان بودنـد. و بسـیاری از زنـان توانسـتند از طریق آنها آموزه های دینی را فرا گرفته و معلومات کسب کنند.

از ایـن جریانـات چنـین بـر مـی آیـد کـه سـنت فقـط منحصـر بـه قـول پیـامبر صـلی الله علیـه و سـلم نیسـت، بلکـه سـنت شـامل قـول و تقریـرات پیـامبر صـلی الله علیـه و سلم اسـت و تمـتم ایـن هـا از امـور شـرحی بـه شـمار مـی رود و اتّبـاع وپیـروی از آن بـر امـت واجـب و لازم اسـت. پـس چـه کسـی غیـر از ازدواج مطهّـرات میتوانسـت اخبـار وأفعـال رسـول الله صـلی الله علیـه و سـلم را کـه در خانـه انجـام مـی گرفـت بـرای مـا نقـل کنـد؟ زنـانی کـه خداونـد آنـان را أمهات(مـادران) ایـن قـرار داده و بـه افتخـار همسـر و همـراه بـودن بـا پیـامبر صـلی الله علیـه و سـلم در دنیـا و آخـرت مفتخـر سـاخت. بـدون شـک ازواج مطهـرات بـا بیـان چگـونگی عـادات، رفتـار و افعـال رسـول اکـرم صـلی الله علیـه و سـلم در منـزل، احسـان زیـادی بـه ایـن امـت کردنـد. و بسـیاری از همسـران پیـامبر از معلمـان و محـدثینی بشـمار مـی‌رونـد کـه روش و مـنش رسـول الله صـلی الله علیـه و سـلم را بـرای مـا نقـل کردنـد و در جهـان اسلام به داشتن حافظه قوی ، نبوغ و زیرکی شهرت یافتند.

۲-حکمت تشریعی:

در این قسمت از حکمت تشریعی ازدواج های رسول اکرم صلی الله علیه و سلم، بحث خواهیم نمود و این حکمت به گونه ای واضح و آشکار است که درک آن بر همگان ساده و آسان است.

در واقع تعدادی از ازدواج های پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم برای ابطال بعضی از عادات و رسوم زشت زمان جاهلیت بود. به عنوان مثال عرب ها قبل از اسلام قائل به پسر خواندگی بودند. واین عمل بعنوان اعتقاد و دین موروثی در میان آنان متداول بود. هر یکی از آنها بچه ای را به پسر خواندگی قبول می کرد و او را همانند فرزند حقیقی و صلبی خویش قرار می داد. و در احکامی همچون میراث، طلاق، ازدواج، حرمت مصاهره و حرمت نکاح و دیگر امور او را همانند فرزند حقیقی خویش تصور می کرد بگونه‌ای که حتی با منکوحه ی او ازدواج نمی کرد همانطوری که با عروس(همسر پسر حقیقی اش) نمی توانست ازدواج کند . و در زمان جاهلیت این بعنوان یک آیین پذیرفته شده و مسلم بود که مردم موظف بودن از آن تبعیت کنند.

هر یکی از مردم فرزند دیگری را پسر خویش قرار می داد و به او چنین می گفت: تو فرزند من هستی و از من ارث می بری و من پدر تو هستم و از تو ارث خواهم برد.

بخاطر داشته باشید که اسلام نیامده تا مردم بر عادت باطلشان بر قرار دارد و در تاریکی های جهالت آنان را تنها بگذارد تا دست و پابزنند، به همین خاطر خداوند برای از بین بردن عادات زشت زمان جاهلیت به پیامبرش صلی الله علیه و سلم الهام کرد تا بچه ای زا به پسر خواندگی قبول کند و با این کار زمینه مبارزه با عادات باطل را در آینده فراهم نمود. پیامبر اکرم صلی الله علیه و سلم بنا بر عادت اعراب (که قبل از اسلام وجود داشت) زید بن حارثه را

بعنوان پسر خوانده پذیرفت، البته این کار قبل از زمان بعثت بود .چگو نگی پسر خوانده شدن زید یکی از زیبا ترین داستان های و ظریف ترین حکمت ها است که مفسران و سیره نویسان آن را در کتاب های خویش ذکر نموده اند(ولی در این مجال ذکر کامل داستان برای ما ممکن نیست.) خلاصه این که پیامبر صلی الله علیه و سلم زید را به عنوان پسر خوانده پذیرفت از آن به بعد مردم او را به نام زید بن محمد می شناختند.

بخاری و مسلم از عبدالله بن عمر رضی الله عنه چنین روایت می کنند که ایشان فرمودند: مردم زید را که غلام رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بود بعد از ماجرای پسر خواندگی زید بن محمد می خواندند تا اینکه این آیه نازل شد: ﴿ ادْعُوهُمْ لِآبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ﴾ [۱]

آنان را به نام پدرانشان بخوانید که این کار در پیش خدا عادلانه تر بشمار می رود . بعد از نزول این آیه پیامبر صلی الله علیه و سلم به ایشان فرمود: تو از این به بعد زید بن حارثه هستی .

پیامبر صلی الله علیه و سلم بعد از این ماجرا، دختر عمه اش (زینب بنت جحش) را به ازدواج زید در آورد که مدت زمانی با هم زندگی کردند ولی بعد ها به خاطر اینکه زید قبلاً برده ای مملوک بوده و مدتی در پسر خواندگی رسول الله بسر برده ، روابط بین آن دو تیره شد، چرا که زید نمی توانست قبول کند که زنی دارای حسب و نسب و شرافت همچون زینب در نکاح کسی باشد که قبلاً برده بوده و چون قبول این امر برایش سنگین بود از هم جدا شدند.

بنابراین بعد از مدتی همان طوری که حکمت خداوندی تقاضا می کرد آن دو از هم طلاق گرفتند. و چون خداوند برای از بین بردن بدعت قبلا زمینه را فراهم کرده بود به پیامبرش دستور داد تا با زینب بنت جحش ازدواج نماید تا این

---

[۱] سوره احزاب آیه ۵

بدعت را پسر خوانده همچون پسر حقیقی و صلبی انسان بشمار می رود از بین ببرد. با این کار پایه و اساس جاهلیت را بطور کلی ریشه کن کرده و قوانین و پایه های مستحکم اسلام را بنا نهد. (چرا که عرب ها همسر پسر خوانده خویش را همچون عروس خویش می پنداشتند و نکاح آن را حرام تلقی می کردند.) و چون رسول اکرم صلی الله عیله وسلم از زبان درازی منافین بیم داشت که مبادا بگویند محمد با عروسش ازدواج کرده کمی درنگ کرد. تا اینکه وحی با عتاب بیشتری نازل شد و خداوند خطاب به ایشان فرمود:

﴿وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۖ فَلَمَّا قَضَىٰ زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا﴾ [1]

ای پیغمبر ! از مردم می ترسی در حالی که خداون سزاوارتر است که از او بترسی هنگامی که زید نیاز خود را بد و به پایان برد (و وی را طلاق داد) ما او را به ازدواج شما در آوردیم تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خواندگان خود نباشد بدان گاه که نیاز خود را با آنان به پایان ببرند (و طلاقشان دهند) فرمان خداوند باید انجام شود.

و این چنین حکم پسر خواندگی پایان یافت و عادات زشتی که قبلا پیروان زیادی داشت و به عنوان یک دین مورد تقلید و اجتناب ناپذیر بود از بین رفت. و برای تایید قانون الهی که تازه وضع شده بود وحی نازل شد؛

﴿مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِنْ رِجَالِكُمْ وَلَٰكِنْ رَسُولَ اللَّهِ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا﴾ [2]

---

[1] سوره احزاب آیه ۳۷

[2] سوره احزاب ایه ۴۰

محمد صلی الله علیه وسلم پدر هیچ یک از مردان شما نبوده بلکه او فرستاده خدا و آخرین پیغمبران است، و خداوند از همه چیز آگاه بوده است.

ازدواج رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با زینب (رضی الله عنها) بنابر هوا و هوس نبوده (آن طوری که بعضی از تهمت زنان و دشمنان خدا می گویند) بلکه مبنای آن دستور خداوندی است.و این کار هدف بزرگی بدنبال داشت و آن از میان برداشتن رسون جاهلیت بود، و خداوند می فرماید:

﴿ لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ﴾ [1]

(ما او را به ازدواج شما در آوردیم) تا مشکلی برای مؤمنان در ازدواج با همسران پسر خواندگان خود نباشد، آنگاه که نیاز خود را بدان به پایان ببرند.(و طلاقشان دهند.)

امام بخاری با سند چنین روایت می کند: زینب بن جحش (رضی الله عنها) همیشه بر دیگر ازواج مطهرات فخر کرده و می فرمود: شما را خانواده هایتان در ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم در آوردند. و من را خداوند از بالای هفت آسمان به ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم در آورد.

اینگونه بود که این ازدواج سبب تشریع احکام جدید قرار گرفت، آن هم بنابر دستور خداوندی که دارای علم و حکمت است. پس حمد و سپاس و پاکی از آن ذاتی است که عقل و فهم بشر از درک حکمت هایی که در امور و اشیاء گنجانده عاجز است، و چه زیبا می فرماید:

﴿ وَ مَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلاَّ قَلِيلاً ﴾ [2] به شما جز دانش اندکی (چیز دیگری)داده نشده است.

---

[1] سوره احزاب ایه ۳۷

[2] سوره اسراء آیه ۸۵

۳- حکمت اجتماعی:

حکمت سوم حکمت اجتماعی است که بوضوح در ازدواج هایی که پیامبر صلی الله علیه وسلم با دختر ابوبکر رضی الله عنه یعنی اولین وزیرش و سپس با دختر فاروق اعظم رضی الله عنه دمین وزیرش انجام داده، دیده می شود. همچنین می توان این حکمت را در پویستن و ارتباط پیامبر صلی الله علیه وسلم با قریش به صورت نصبی، مصاهره و پیوند های متعدد نکاح بطور آشکار مشاهده نمود. حکمتی که پیوند بسیار محکمی بین اقوام و قبائل ایجاد کرد و قلب ها را توانست بگونه ای در کنار هم قرار دهد که بدون هیچ کینه ورزی و کدورتی بتوانند با هم حول یک محور، (محور دعوت پیامبر صلی الله علیه وسلم) جمع شده و با ایمان ، بزرگواری و وقار پذیرای یکدیگر باشند.

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم با حضرت عایشه (رضی الله عنها) ازدواج کرد، او دختر کسی بود که از همه نزد ایشان محبوب تر و با ارزش تر است یعنی حضرت ابوبکر رضی الله عنه کسی که از همه جلوتر اسلام آورد و جان و مال و روحش را در راه نصرت دین و دفاع از پیامبر صلی الله علیه وسلم تقدیم کرد و در راه اسلام رنج ها و زحمت های فراوان و گوناگونی را متحمل شد ، بگونه ای که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم می فرمود: هر کس که به ما احسان کرده ما پاسخ احسان و کار

خیرش را در همین دنیا داده ایم مگر حضرت ابوبکر رضی الله عنه که احسان زیادی در این راه دین کرده و خداوند خودش پاسخ احسان و کار خیرش را در روز قیامت بدهد. و هیچ مالی برای من سودمند نبوده به آن اندازه ای که مال ابوبکر رضی الله عنه برای من سودمند بوده و منفعت داشته است. بر هر کسی که من اسلام را عرضه نمودم از خود تردید نشان داد مگر حضرت ابوبکر رضی الله عنه که به محض شنیدن دعوتم اسلام را پذیرفت و از خود تردید نشان نداد.

و اگـر مـن بـرای خـود دوسـت و خلیلـی انتخـاب مـی کـردم حتمـا حضـرت ابوبکر رضی الله عنه را برمی گزیدم ولی چه کنم چون خلیل من خداوند است؟[1]

رسـول الله صـلی الله علیـه وسـلم بـرای جبـران زحمـات و احسـان ابـوبکر رضـی الله عنـه راه دیگـری غیـر از ازدواج بـا دختـر ایشـان نیافـت، تـا بـا ایـن کـار رشـته مصـاهرت و خویشـاوندی بـین آن هـا برقـرار شـده و بـر دوسـتی و ارتبـاط محکم آنان بیفزاید.

همانگونـه کـه پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـرای خنکـی چشـم حضـرت عمـر رضـی الله عنـه و جبـران زحمـاتش کـه در ایـن راه دیـن کشـیده بـود و بخـاطر اسـلام آوردن ، صـداقت و اخـلاص ایشـان بـا دختـرش حضـرت حفصـه (رضـی الله عنهـا) ازدواج نمود.

چـرا کـه عمـر قهرمـان اسـلام بـود و خداونـد بوسـیله ایشـان بـه اسـلام و مسـلمین عـزت بخشـید و پـرچم دیـن را برافراشـت. پـس ارتبـاط پیـامبری بـا حضـرت عمـر رضـی الله عنـه از طریـق پیونـد نکـاح بهتـرین راه بـرای جبـران همـه ی آن چیزهـایی اسـت کـه عمـر رضـی الله عنـه در راه اسـلام تقـدیم کـرده و پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـا ایـن کـار مسـاوات را بـین حضـرت عمـر و حضـرا ابـوبکر (رضـی الله عنهما) ایجاد کرد.

و ازدواج رسـول الله صـلی الله علیـه وسـلم بـا دختـران ایـن دو بزرگـوار بزرگتـرین افتخـار بـرای آن هـا بـود و بهتـرین راه بـرای جبـران زحمـات آن دو بشـمار مـی رفـت، چـرا کـه جبـران خـدمات آن دو بزگـوار بـا شـرف و افتخـاری بزرگتـر از ایـن ممکـن نبـود. پـس ببینیـد کـه پیـامبر اکـرم صـلی الله علیـه وسـلم چـه

---

[1] رواه الترمذی

سیاست بزرگی به خرج دادند و چه زیبا احسان دوستان مخلص اش را جبران نمود.

همان طوری که در مقابل با به ازدواج در آوردن دخترانش به نکاح حضرت عثمان و علی (رضی الله عنهما) آن دو را نیز اعزاز و اکرام نمود. و این چهار تن از بزرگترین اصحاب و یاران پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند که بعد از ایشان در راستای نشر تعالیم اسلامی وادامه دادن راه دعوت، خلفا و جانشینان ایشان بشمار می روند. از این اتفاقات چنین بر می آید که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم چه حکمت بزرگ و اندیشه ی زیبایی داشتند.)

۴ـ حمکت سیاسی:

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای تالیف قلوب و جذب آن ها و گرد آوردن قبائل در کنار هم با بعضی از زنان ازدواج نمود. چون برای همه ثابت شده اگر شخصی زنی از یک خاندان و یا یک قبیله را ازدواج نماید، بین آن ها ارتباط خویشاوندی برقرار می شود و پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم توانست با اخلاق و سرشت خویش آن ها را بسوی نصرت و حمایت خویش فرا بخواند.

و برای آشکار شدن این مطلب که پیامبر صلی الله علیه وسلم در پس هر ازدواجی بدنبال هدف و حکمتی بوده برای شما چند نمونه بیان خواهیم نمود.

۱- پیامبر با حضرت جویریه دختر رئیس قبیله بنی مصطلق (حارث) ازدواج نمود. ماجرا از این قرار بود که حضرت جویریة(رضی الله عنها) همراه با خانواده و قبیله اش بدست مسلمانان اسیر شد، ایشان بعد از اسارت تصمیم گرفت تا برای آزادی خویش فدیه بدهد ولی چون سرمایه ای نداشت خواستار کمک مالی از سوی رسول الله صلی الله علیه وسلم شد، رسول الله صلی الله علیه وسلم چنین پیشنهاد کرد که فدیه او را می دهد و با او ازدواج می کند ایشان هم قبول کردند.

وقتی مسلمانان از این ماجرا با خبر شدند با خود گفتند آیا خویشاوندان و نزدیکان همسر رسول الله صلی الله علیه وسلم زیر دست و اسیر ما باشند؟ این محال است. پس همه مسلمانان تصمیم گرفتند تا اسیران را آزاد کنند. وقتی قبیله بنی مصطلق این همه بزرگواری، شهامت و جوانمردی و اخلاق نیکوی مسلمانان را دیدند همگی مسلمان شدند و به دین الله گرویدند.

پس ازدواج پیامبر صلی الله علیه وسلم با حضرت جویریة (رضی الله عنها) برای ایشان، خانواده و قبیله اش سراسر خیر و برکت بود؛ چون علت آزادی و مسلمان شدن آن ها همین ازدواج میمون و مبارک بود و بعد از آن حضرت جویریة (رضی الله عنها) با ارزش ترین و مبارک ترین زن قبیله اش قرار گرفت.

امام بخاری در صحیح خودش این ماجرا را از زبان ام المؤمنین حضرت عایشه (رضی الله عنها) چنین بیان می کنند:

تعدادی از زنان و اموال که بدست مسلمانان افتاده بودند نزد پیامبر آورده شدند، ایشان یک پنجم آن را برداشت و در بین مجاهدین تقسیم کرد؛ به هر شخصی که با اسبش در جهاد شرکت کرده بود دو سهم و به افرادی که پیاده بودند یک سهم تعلق گرفت. حضرت جویریة (رضی الله عنها) که اسیر شده بود در سهم ثابت بن قیس افتاد. بعد ایشان نزد رسول اکرم صلی الله علیه وسلم آمد و گفت: من جویریه دختر حارث (رئیس قبیله ی بنی مصطلق) هستم و شما می دانید که من در چه وضعی گرفتار آمدم من به این خاطر نزد شما آمدم تا کمکم کنید آزاد شوم. چرا که ثابت بن قیس به شرطی مرا آزاد می کند که به او نه اوقیة بپردازم. پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان فرمودند: من مال ثابت قیس را می پردازم و با شما ازدواج می کنم و ایشان این پیشنهاد را پذیرفتند، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: خاطر جمع باش این کار هم اکنون انجام شد.

وقتی خبر ازدواج رسول الله صلی الله علیه وسلم با جویریة (رضی الله عنها) به گوش مسلمانان رسید همگی با خود گفتند آیا خویشاوندان پیامبر صلی الله علیه وسلم زیر دست و برده ما باشند این محال است. پس مسلمانان که تقریبا حدود صد خانوار بودند و همگی اسیر داشتند تمام اسیران بنی مصطلق را آزاد کردند.

۲- همچنین پیامبر صلی الله علیه وسلم با صفیه بنت حیی بن اخطب ازدواج نمود. زنی که بعد از کشته شدن شوهرش در غزوه خیبر اسیر شد و در هنگام تقسیم اموال به یکی از مجاهدان داده شد. اهل شورا و نظر گفتند که این زن یکی از شاهزادگان و سادات بنی قریظه است، پس شایسته این است که او را به رسول الله صلی الله علیه وسلم بدهیم. اهل شورا این پیشنهاد را به پیامبر صلی الله علیه وسلم دادند، و رسول اکرم صلی الله علیه وسلم حضرت صفیه (رضی الله عنها) را فراخواندند و فرمودند شما بین این دو امر، حق انتخاب دارید:

۱- اینکه شما را آزاد کرده و به عنوان همسر با شما ازدواج کنم.

۲- از قید اسارت آزاد شده و به خانواده و قبیله ات ملحق شوید.

حضرت صفیة(رضی الله عنها) چون بزرگواری، عظمت و رفتار خوب پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدند آزادی و ازدواج با پیامبر صلی الله علیه وسلم را پذیرفت و اسلام آورد، با گرویدن ایشان به اسلام عده ی زیادی از مردم مسلمان شدند.

روایت شده که وقتی حضرت صفیة (رضی الله عنها) نزد رسول الله صلی الله علیه وسلم آمدند پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان فرمودند: پدرت از متعصب ترین یهودانی بود که نسبت به من

دشمنی و عداوت زیادی داشت، تا اینکه خداوند او را از میان برداشت، ایشان فرمودند: یا رسول الله صلی الله علیه وسلم خداوند در کتاب خویش چنین می فرماید: ﴿ وَ لاَ تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَى ﴾ [1]

(هیچ کسی گناه دیگری را بر دوش نمی کشد) پیامبر گرامی به ایشان فرمودند: اگر اسلام را بپذیری تو را برای خویش نگه خواهم داشت، ولی اگر بر دین یهودیت باقی بمانی بزودی تو را آزاد خواهم کرد. حال انتخاب با خودت است.

حضرت صفیة(رضی الله عنها) فرمود: رسول الله صلی الله علیه وسلم قبل از اینکه شما مرا بسوی اسلام فرا بخوانی من اسلام را بعنوان دین برگزیده بودم و به شما ایمان آورده و یقین داشتم. من به دین یهودیت هیچ علاقه ای ندارم و پدر و برادری که بر دین یهود باشند هم ندارم، شما به من حق انتخاب دادید که اسلام را برگزینم یا کفر را، خداوند و رسولش نزد من محبوبتر است از آزادی و از اینکه پیش قبیله ام برگردم، پس پیامبر صلی الله علیه وسلم ایشان را نگه داشت و به عنوان همسر برگزید.

۳- همچنین پیامبر با ام حبیبه(رضی الله عنها) (رملة دختر ابوسفیان) ازدواج نمود. و ابو سفیان در آن زمان یکی از پرچمداران وازسر سخت ترین دشمنان رسول الله صلی علیه وسلم بود که دخترش در مکه اسلام آورده بود و بخاطر دینش همراه باشوهر خویش به حبشه هجرت کرد.

درآنجا شوهرش وفات نمود و ایشان بی کس و تنها شد بدون هیچ یار و یاوری،هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم از وضعیت ایشان اطلاع پیدا کرد نامه ای به پادشاه حبشه نجاشی نوشت و به او وکالت داد تا ام حبیبه (رضی

---

[1] سوره فاطر آیه ۱۸

الله عنهـا)را بـه ازدواج ایشـان در بیـاورد نجاشـی ایـن خبـر را بـه ام حبیبـه رسـاند و ایشان به قدری خوشحال شدند که خدا می داند؛

(چـون ام حبیبـه مـی دانسـت کـه اگـر پـیش خـانواده و قبیلـه اش برگـردد اورا وادار بـه کفـر و ارتـداد مـی کننـد ویـا اینکـه شـکنجه اش مـی دهنـد) نجاشـی از طـرف پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـه ایشـان چهـار صـد دینـار همـراه بـا هـدایای نفیسـی بعنـوان مهریـه پرداخـت نمـود و هنگـام بازگشـت بـه مدینـه ی منـوره پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـا ایشـان ازدواج نمـود. وقتـی ایـن خبـر بـه گـوش ابوسـفیان رسـید ازدواجشـان را برقرارداشـت و گفـت : (اومـردی بزگـوار اسـت کـه هرگـز روی ذلـت و خـواری را نمـی بینـد)و بـه ازدواج پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـا دختـرش افتخـار نمـود. و هـم کفـو بـودن رسـول الله صـلی علیـه و سـلم را منکـر نشـد،تا اینکـه خداونـد ایشان را بسوی اسلام هدایت نمود.

در اینجـا حکمـت بزرگـی کـه در ازدواج پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـا دختـر ابـوبکر سـفیان نهفتـه اسـت بـرای مـا آشـکار و ظـاهر مـی شـود چـرا کـه ایـن ازدواج باعـث شـده بـود تـا آزار و اذیـت مشـرکین نسـبت بـه پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم و ابـو سـفیان نسـبت خویشـاوندی و دامـادی برقـرار شـد. بـا وجـودی کـه در آن زمـان ابوسـفیان از سرسـخت تـرین دشـمنان رسـول الله صـلی الله علیـه وسـلم و مسـلمانان در میان بنی امیه به شمار می رفت.

پـس میبینـیم همانگونـه کـه ایـن ازدواج اعـزاز و اکرامـی بـرای ام حبیبـه (رضـی الله عنها)بـه شـمار مـی رفـت باعـث تـالیف قلـب ابـو سـفیان و قـوم و قبیلـه اش هـم شـد. پـس از ازدواج پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بـا ام حبیبـه تـدبیر و سیاسـت زیبایی از سوی پیامبر بود که حکمت بزرگی به دنبال داشت!

امهات المؤمنین

زنانی را که پیامبر صلی الله علیه وسلم ازدواج نمود تعدادشان بیش از نه نفر است؛و ما بخاطر آشنایی خوانندگان عزیز اسامی آن ها را ذکر می کنیم.

١-حضرت خدیجه بنت خویلد(رضی الله عنها)

٢-حضرت سوده بنت زمعه (رضی الله عنها)

٣-حضرت عائشه بنت ابی بکر (رضی الله عنها)

٤-حضرت حفصه بنت عمر(رضی الله عنها)

٥-حضرت زینب بنت جحش(رضی الله عنها)

٦-حضرت زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها)

٧-حضرت ام سلمه (هند بنت ابی امیه)(رضی الله عنه)

٨-حضرت ام حبیبه (رمله بنت ابی سفیان)(رضی الله عنها)

٩-حضرت میمونه بنت الحارث الهلالیه (رضی الله عنها)

١٠-حضرت جویریه بنت الحارث(رضی الله عنها)

١١-حضرت صفیه بنت حیی بن اخطب(رضی الله عنه)

بعد از اینکه سخن از حکمت تعدد زوجات پیامبر صلی الله علیه وسلم گفته شد اکنون از امهات المومنین (مادران مومنان)بحث خواهیم نمود.

خداوند امهات المومنین را برای همسری پیامبر محبوب خویش انتخاب نموده و آن ها را مفتخر به این اشراف و کرامت بزرگ ساخت.

شرف انتساب به سید المرسلین

خداوند آن ها راز میان بهترین زنان انتخاب کرد و بعنوان مادران این امت قرار داد؛یعنی همانگونه که احترام و تعظیم مادر بر فرزند واجب است احترام اینها هم بر مسلمانان لازم است و همانگونه که ازدواج با مادر حرام است،خداوند بعد از وفات پیامبر صلی الله علیه وسلم بخاطر احترام ایشان ازدواج امهات و المومنین را برای سایرین حرام قرار داد و فرمود:

﴿ النبی اولی بالمومنین من انفسهم،و ازواجه امهاتهم ﴾ [1]

پیغمبر از خود مومنان نسبت به آنان اولویت بیشتری دارد و همسران پیغمبر مادران مومنان محسوب می شوند.

و در جای دیگر میفرماید:

﴿ وَ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ وَ لاَ أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ بَعْدِهِ أَبَداً إِنَّ ذٰلِكُمْ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيماً ﴾ [2]

(شما حق ندارید پیغمبرخدا را آزار دهید،و هرگز حق ندارید که بعد از وفات ایشان همسرانش را به ازدواج خویش در آورید، این کار نزد خدا (گناه نابخشودنی و)بزرگ است.)

---

[1] سوره احزاب آیه ٦

[2] سوره احزاب آیه ٥٣

علامه قرطبی در تفسیر خودش (الجامع لا حکام القرآن) می فرماید:خداوند همسران پیامبر خویش به این صورت گرامی داشت که آنان را امهات المومنین قرار داد؛یعنی در لزوم احترام،بزرگداشت و نیکی و حرام قراردادن ازدواجشان برای دیگر مردان،و این کار خداوند احترامی برای پیامبر صلی الله علیه وسلم و عزت و شرفی برای همسران وی بشمار می رود.

در این قسمت به زندگی تک تک ازواج مطهرات می پردازیم تا خوانندگان عزیز آشنایی بیشتری نسبت به امهات المومنین پیدا کنند.

۱- حضرت خدیجه بنت خویلد

حضرت خدیجه اولین همسر پیامبر بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم در سن بیست و پنج سالگی قبل از زمان بعثت با ایشان ازدواج نمود و در آن زمان حضرت خدیجه (رضی الله عنها)بیوه بود و چهل سال سن داشت.حضرت خدیجه در ابتدا همسر ابو هاله بود و بعد او به ازدواج عتیق بن عائذ در آمد.رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بعد از عتیق با ایشان ازدواج نمود.[۱] و این ازدواج ، ازدواج حکیمانه و موفقی بود چرا ک مبنایش عقل و اندیشه بود، و تفاوت سنی هم امر بسیار مهمی نبود که مانع ازدواجشان شود.چرا که هدف این ازدواج غریزه و شهوت نبود بلکه هدف بلند انسانی بود که بخاطرآن حاضر به ازدواج شدند.

خداوند رسول اکرم صلی الله علیه وسلم را برای رسالت و به دوش کشیدن مشکلات دعوت ،آماده نمود و با برقراردادن این زن با تقوا،عاقل و زیرک بر سر راه پیامبر صلی الله علیه وسلم ،کار را برای ایشان آسان نمود تا خدیجه (رضی الله عنها)به ایشان کمک کند. که به راهش در راستای تبلیغ و دعوت و

---

[۱] طبق روایت الاصابه

نشر رسالت ادامه دهد و خدیجه (رضی الله عنها) اولین زنی بود که به پیامبر صلی الله علیه وسلم ایمان آورد.

یکی از دلایل و شواهدی که بر زیرکی و رای و نظر درست خدیجه (رضی الله عنها)دلالت می کند ما جرای غار حرا است که برای پیامبر پیش آمد.

هنگامی که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم برای اولین بار در غار حرا با حضرت جبرئیل روبرو شد بعد از بازگشت بسوی خانه دچار حالت عجیبی شد که تمام بدنش می لرزید. وقتی وارد منزل شد به حضرت خدیجه گفت:(زملونی زملونی)مرا بپوشانید مرا بپوشانید،تا اینکه ترس و لرز پیامبر صلی الله علیه وسلم از بین رفت و ماجرا را برای خدیجه (رضی الله عنها) تعریف کرد و گفت:من برجان خویش در هراسم مبادا دچار جن زدگی شده باشم!

حضرت خدیجه (رضی الله عنها فرمودند:خوشحال باش چرا که هرگز چنین نمی شود و خداوند تورا هیچ گاه رسوا نمی گرداند چون شما صله رحم را بجای می آوری و سخن راست می گویی و بار سنگین دیگران را به دوش می کشید، فقیران را کمک کرده و میهمان را اکرام می کنید و هنگام مشکلات جانب حق را گرفته و برای آشکار شدن آن کمک می کنید.[۱]

حضرت رسول الله صلی الله علیه وسلم زمان جوانی اش را با خدیجه (رضی الله عنها) به پایان رساند و هیچ گاه ازدواج ننمود.و ایشان محبوب ترین فرد نزد پیامبر بودند.حضرت عائشه (رضی الله عنها)با وجود ی که حضرت خدیجه (رضی الله عنها)را ندیده بود و در یک خانه با وی جمع نشده بود ولی بخاطر علاقمندی بیش از حد پیامبر با خدیجه (رضی الله عنها) بر سر غیرت می آمد و رشک می ورزید؛یک مرتبه وقتی سخن از خدیجه (رضی الله عنها)به

---

۱ بخاری و مسلم

میـان آمـد حضـرت عائشـه (رضـی الله عنهـا)حرفی زد و بـا واکـنش تنـد پیامبرصـلی الله علیه وسلم روبرو شد.

چـون حضـرت عائشـه (رضـی الله عنهـا)چنین گفتـه بود:خدیجـه بیـوه زنـی بـود در زمـان گذشـته ولـی اکنـون خداونـد بهتـر از او را بـه شـما داده(یعنـی عائشـه را)پیامبر صلی الله علیه وسلم از این سخن عائشه سخت بر آشفت و فرمود:

هـیچ گـاه خداونـد کسـی بهتـر از خدیجـه (رضـی الله عنهـا) بـه مـن نـداده اسـت؛چرا کـه او بـه مـن ایمـان آورد آنگـاه کـه مـردم بـه مـن کفـر ورزیدنـد و او مـرا تصـدیق کـرد زمـانی کـه مـردم تکـذیبم نمودنـد و خداونـد بـا سـرمایه ی خدیجـه (رضـی الله عنهـا) مـرا امـداد نمـود هنگـامی کـه مـردم محـرومم کردنـد واز میـان همسـرانم فقـط از ایشـان صـاحب فرزنـد شـدم.(البته ایـن زمـان ی بـود ک هنـوز ابـراهیم از ماریـه ی قبطیه (رضی الله عنها)متولد نشده بود.)

حضـرت عایشـه (رضـی الله عنهـا)می فرماید:بعـد از آن هـیچ گـاه از خدیجـه بـه بـدی یـاد نکـردم. بخـاری و مسـلم از حضـرت عایشه(رضـی الله عنهـا)چنین روایـت کرده اند که می فرماید:

مـن بـر هـیچ یـک از همسـران پیـامبر رشـک نمـی ورزیـدم بـه انـدازه ای کـه بـه خدیجـه (رضـی الله عنهـا) رشـک مـی ورزیـدم و بـر سـر غیـرت مـی آمـدم و بـا وجـودی کـه هـیچ وقـت اورا ندیـده بودم؛پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم همیشـه بـه یـاد خدیجـه بـود و هرگـاه گوسـفندی ذبـح مـی کـرد آن را در جـایی صـدقه مـی کـرد کـه قـبلا خدیجـه (رضـی الله عنهـا) صـدقاتش را بـه آنجـا میفرسـتاد.و گـاهی مـن بـه پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم مـی گفـتم: گویـا در ایـن دنیـا زن دیگـری غیـر از خدیجـه (رضـی الله عنهـا) وجـود نـدارد و ایشـان مـی فرمود:خدیجـه، خدیجـه بـود و مـن فقـط از او صاحب فرزند شدم.

حضرت خدیجه (رضی الله عنها) با پیامبر صلی الله علیه وسلم بیست و پنج سال زندگی کرد که پانزده سال آن قبل از بعثت و ده سال آن بعد از بعثت بود و در زمان حیات خدیجه (رضی الله عنها) پیامبر هرگز ازدواج ننمود و تمام فرزندان پیامبر از ایشان متولد شده اند بجز ابراهیم.

در هنگام وفات خدیجه پیامبر صلی الله علیه وسلم حدوده پنجاه سال سن داشت و زن دیگری هم در آن زمان نداشتند.

ازدواج های متعدد پیامبر صلی الله علیه وسلم بعد از وفات خدیجه بود،آن هم بنا بر حکمت هایی که قبلا بخشی از آن را ذکر کردیم .خداوند از خدیجه (رضی الله عنها) راضی باشد و او را در بهشت خویش جای دهد.

۲ـحضرت سوده بنت زمعة (رضی الله عنها)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بعداز وفات خدیجه (رضی الله عنها) باحضرت سوده ازدواج نمود در حالی که حضرت سوده بیوه ی (سکران بن عمر و انصار)بود. و حکمت انتخاب ایشان بعنوان همسر (با وجودی که از لحاظ سنی از پیامبر بزرگتر بود)این بوده است که ایشان از زنان مهاجر مسلمان بود که شوهرش بعد از بازگشت ازهجرت دوم از حبشه وفات نمود و ایشان بی کس و تنها ماند بدون هی یار و یاور و سرپرستی، و اگر چنانچه پیش خانواده اش بر می گشت او را وادار بر شرک و کفر می کردند و یا شکنجه اش می دادند تا از اسلام بر می گردد.

در این هنگام بود که پیامبر صلی الله علیه وسلم سر پرستی او را بعهده گرفت و با ایشان ازدواج نمود.و این بهترین پاداش برای حضرت سوده (رضی الله عنها)بود که به خاطرخدا و رسول بر ایمان صادقانه اش استوار ماند و در برابر مشکلات از خود شکیبایی و اخلاص نشان داد.

پس اگر (نعوذ بالله) هدف پیامبر از ازدواج با ایشان ارضای غریزه و شهوت می بود(آنگونه که مستشرقان یاوه گو می پندارید)حتما بجای یک بیوه زن مسن که حدوده پنجاه و پنج سال سن داشت با دختران زیبا و دوشیزه ازدواج می کردند نه با پیرزن پنجاه و پنج ساله.

ذات والای پیامبر صلی الله علیه وسلم از هر گونه گمان کاذب و اتهامات غربی ها بدور است؛چرا که ایشان بهترین و بزرگترین الگوی بشر در شهامت،نجابت و جوانمردی است، وهدف پیامبر صلی الله علیه وسلم از ازدواج با سوده (رضی الله عنها) فقط حمایت و سرپرستی او بود نه چیز دیگری.

۳-حضرت عایشه بنت ابی صدیق (رضی الله عنها)

پیامبر صلی الله علیه وسلم باعائشه (رضی الله عنها)زمانی ازدواج کرد که ایشان دختر جوانی بودند و در میان ازواج مطهرات تنها دختری است که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با ایشان ازدواج نمود.حضرت عائشه (رضی الله عنها)در میان امهات المومنین و زنان دیگر مشهور به داشتن هوش و حافظه ای قوی بودند نه تنها در میان زنان بلکه در این زمینه نسبت به بسیاری از مردان هم جلوتر بودند بگونه ای که بسیاری از بزرگان صحابه و علما آن ها در مورد بضی احکام ک برای آنها مشکل می نموداز ایشان سوال می کردندتا مسائل برایشان حل شود.

حضرت ابو موسی اشعری (رضی الله عنها)روایت شده که فرمود:هر حدیثی بر ما اصحاب مشکل می نمود از عائشه(رضی الله عنها)سوال می کردیم و راه حل آن را نزد ایشان می یافتیم.

ابوالضحی از مسروق روایت می کند که فرمودند:بزرگان اصحاب پیامبر صلی الله علیه وسلم را دیدم که در باره بعضی فرائض از عائشه... (رضی الله عنها) سوال می‌کردند.حضرت عروة بن الزبیر می‌فرمایند: هیچ زنی را عالم تر, داناتر از عائشه (رضی الله عنها) نسبت به علم طب, علم فقه وشعر ندیدم.

در این گفته ها جای هیچ شکی وجود ندارد؛ چرا که کتب حدیث بر عقل و فر است و علم و دانش بیش از حد ایشان گواهی می‌دهند و در بخاری هیچیک از مردان به اندازه ای که عایشه (رضی الله عنها) حدیث روایت کرده روایت ننموده اند مگر دونفر : ابو هریرة رضي الله عنه و عبدالله بن عمر رضي الله عنه

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نسبت به دیگر همسرانش عائشه را بیشتر دوست داشت و عدالت را در میان همسرانش رعایت می‌کرد و می‌فرمود :(بارالها! این تقسیم من است در مورد آنچه در توان دارم (خوراک پوشاک و مسکن) پس در مورد آنچه از توانم خارج است (محبت و علاقه قلبی) مرا مؤاخذه نفرما.)

هنگامی که آیه تخییر نازل شد, پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم در ابتدا نزد عائشه (رضی الله عنها) آمد و به ایشان فرمود: من برای شما مسئله ای مطرح می‌کنم و خواهان جواب آن هستم.البته در دادن جواب عجله نکن تا اینکه با پدر و مادرت مشورت کنی.(حضرت عائشه می‌فرماید: پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم می‌دانست که پدر و مادرم مرا دستور به جدایی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم نمی‌دهند) سپس پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم آیه تخییر را برای عائشه (رضی الله عنها) خواند :

﴿ يَـا أَيُّهَـا النَّبِـيُّ قُـلْ لِأَزْوَاجِـكَ إِنْ كُنْـتُنَّ تُـرِدْنَ الْحَيَـاةَ الـدُّنْيَا وَزِينَتَهَـا فَتَعَـالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا ﴾ [1]

در اینجـا بـود کـه حضـرت عائشـه (رضـی الله عنهـا) بخـاطر هـوش و زیرکـی اش فرمـود: دربـاره ی ایـن مسـئله بـا پـدر و مـادرم مشـورت کـنم!! مـن و خـدا و رسولش و دار آخرت را بر دیگر چیزها ترجیح می‌دهم.

خویشـاوند شـدن پیـامبر صـلی الله علیـه وآلـه وسـلم بـا ابـوبکر صـدیق (رض) بزرگتـرین احسـان و پـاداش بـرای ایشـان در دنیـا بـه شـمار مـی‌رفـت, همانگونـه کـه ازدواج پیـامبر بـا عائشـه (رضـی الله عنهـا) بهتـرین وسـیله بـرای نشـر سـنت هـا, فضـائل و ویژگـی هـای همسـر داری و احکـام شـرعی بشـمار مـی‌رود؛ بخصـوص امـوری کـه بـه زنـان تعلـق دارد. همـان طـوری کـه قـبلا در بحـث حکمـت تعلیمـی بیـان نمودیم.

۴- حضرت حفصه بنت عمر (رضی الله عنها)

زمـانی کـه رسـول اکـرم صـلی الله علیـه و آلـه وسـلم بـا حضـرت حفصـة (رضـی الله عنهـا) ازدواج نمـود ایشـان بیـوه بودنـد و شـوهرش (خنـیس بـن حذافـة انصـاری) در غـزوه بـدر شـهید شـد. ایشـان از قهرمانـان شـجاعی بودنـد کـه تـاریخ نـام آن‌هـا را در زمینه‌ی قهرمانی, مردانگی و جهاد در بهترین صفحات خود ثبت کرده است.

حضـرت عمـر (رض) بعـد از اینکـه حضـرت عثمـان (رض) همسـرش را از دسـت داد بـه ایشـان پیشـنهاد ازدواج بـا حفصة(رضـی الله عنهـا) را داد کـه ایشـان بنـابر دلایلـی از ازدواج امتنـاع ورزیدنـد. سـپس حضـرت پیـامبر صـلی الله علیـه و آلـه

[1] سوره احزاب آیه ۲۸

وسلم با حفصة (رضی الله عنها) ازدواج نمود و این بهترین پاداش و احسان برای حضرت عمر (رض) بشمار می‌رفت.

امام بخاری از عبدالله بن عمر (رض) چنین روایت می‌کند: بعد از اینکه شوهر حضرت حفصة (رضی الله عنها) در معرکه بدر حضور یافت و در مدینه وفات نمود ایشان بیوه شد, حضرت عمر (رض) در طی ملاقاتی با حضرت عثمان (رض) به ایشان فرمود: اگر بخواهید حفصه را به نکاح شما در می‌آورم؟ حضرت عثمان (رض) گفتند در این باره فکر می‌کنم و بعداز چند شب فرمودند: که بهتر این است که من با ایشان ازدواج نکنم. حضرت عمر می‌فرماید: بعد به سراغ ابوبکر (رض) رفتم و به ایشان گفتم: اگر مایل باشید حفصه را به نکاح شما در می‌آورم؟ و ایشان سکوت کردند.(حضرت عمر رض می‌فرماید: ناراحتی من از دست ابوبکر رض بیشتر بود نسبت به ناراحتی که از حضرت عثمان داشتم چرا که ایشان همانند عثمان رض جواب صریح به من ندادند) تا اینکه بعد از چند شب پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم حفصه را از من خواستگاری کردند و او را به ازدواج آن حضرت (ص) درآوردم.

حضرت عمر رض می‌فرماید بعد از مدتی حضرت ابوبکر رض به ملاقات من آمد و فرمود : وقتی پیشنهاد ازدواج حفصه را به من دادی و من سکوت کردم, شاید از دستم ناراحت شده باشی؟ حضرت عمر می‌فرماید: گفتم بله, بعد ابوبکر رض گفتند: چون حضرت پیامبر صلی الله علیه و سلم قبلا درباره‌ی حفصه با من سخن گفته بودند همین مانع از آمدن و جواب دادن من به شما شد به همین خاطر سکوت کردم؛ چرا که من نمی‌خواستم راز پیامبر صلی الله علیه و سلم را افشا کنم و اگر چنانچه پیامبر صلی الله علیه وسلم صرف نظر می‌کرد من پیشنهاد شما را حتما می‌پذیرفتم.

در عملکرد حضرت عمر رض شهامت واقعی بلکه مردانگی و دوستی صادقانه بوضوح دیده می‌شود؛ چرا که او می‌خواهد آبرویش را حفاظت کند و در

دلش احساس شرم هم نمی‌کند از اینکه به افراد صالح پیشنهاد می‌دهد تا با دخترش ازدواج کنند. چون ازدواج بهترین وسیله برای رسیدن به یک جامعه ی نمونه و خالی از هر نوع فساد اخلاقی است.

امروزه ما مسلمانان نسبت به احکام شرعی و قوانین زیبا و روشن آن در کجای کار قرار داریم و در چه جهتی روی به حرکتیم؟ آیا اینگونه نیست که دختران جوان و به دوران رسیده مان را در خانه منتظرانند تا اینکه خواستگار ثروتمند و سرمایه داری پیدا شود ؟ آیا تاکنون چنین شده که پدر و مادری تعصب و غرور بی جای خویش را کنار بگذارند و به دیگران پیشنهاد بدهند تا با دخترشان ازدواج کند؟ پس غرور را کنار بگذارید و همانند عمر رض خودتان پیش قدم شوید و دنبال خواستگار خوب برای دخترتان باشید.

۵- حضرت زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها)

رسول اکرم صلی الله علیه و سلم بعد از حضرت حفصه با زینب بنت خزیمه (رضی الله عنها)ازدواج نمود.ایشان همسر قهرمان و شهید اسلام عبیدة بن حارث بن عبدالمطلب بودند کسی که در نخستین نبرد در غزوه بدر شهید شد.حضرت زینب در هنگام به شهادت رسیدن شوهرش وظیفه پرستاری و پانسمان مجروحان را بعهده داشت. شهادت شوهر مانع از انجام وظیفه اش نشد.تا اینکه خداوند در اولین پیکار مسلمانان با مشرکین پیروزی را از آن مسلمانان کرد.

وقتی پیامبر صلی الله علیه وسلم از صبر و استقامت این بانوی بزرگ مسلمان اطلاع پیدا کرد و دانست که سرپرست دیگری ندارد از ایشان خواستگاری نمود و او را در کنار مهر و الفت خویش جای داد تا اینکه تسلی خاطر او گردد و جای خالی همسرش را پر کند.

حضرت شیخ محمد محمود صواف در رساله گران سنگ خویش (زوجات النبی الطاهرات) بعد از بیان داستان به شهادت رسیدن شوهر زینب (رضی الله عنها) و رشادت های وی می‌گوید: حضرت زینب (رضی الله عنها) در هنگام ازدواج با پیامبرﷺ شصت سال سن داشت که بعد از ازدواج با ایشان بیش از دو سال عمر نکرد تا اینکه خداوند او را به سوی خود فرا خواند. پس رای و نظر افراد یاوه گو درباره این ازدواج مبارک و هدف والای آن چیست؟ آیا در آن موردی می‌یابند که بر مبنای آن به اکاذیب و یاوه گویی های خود ادامه دهند؟ آیا در این ازدواج آثار هوا وهوس و شهوت را می‌یابند؟ یا اثر مجد،بزرگی،عفاف،عظمت،رحمت و فضیلت و احسان را ؟آن هم از کسی که فرستاده ی بزرگ خداوند برای بشریت بشمار می‌رود و وجودش برای انسانیت سراسر رحمت است.

مستشرقان مغرض باید از خداوند بترسند و حق این روایات و امانات علمی و تاریخی را ادا کرده و خیانت نکنند.اینها بخاطر اهداف شومشان مستشرق و خاورشناس شدند تا علوم اسلامی را فرا گرفته و علیه اسلام و مسلمین مکر و کینه و دسیسه چینی کنند چهره‌ی سیدالمرسلین را به جهانیان بد معرفی کنند.

(این خیال است و محال است و جنون)

۶- حضرت زینب بنت حجش (رضی الله عنها)

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم با حضرت زینب (رضی الله عنها) ازدواج نمود،ایشان دخترعمه ی رسول خدا هستند که قبلا در نکاح زیدبن حارثه رض بود و ایشان طلاقش داد.سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم بنابرحکمتی با ایشان ازدواج نمود.که بالاتر از حکمت ازدواج دیگر همسران پیامبر بود.و

حکمت آن,مبارزه کردن و از بین بردن بدعت پسرخواندگی است که قبلا بحث آن در بیان حکمت تشریحی گذشت.

در اینجا برای مستشرقان کینه توز و پیروان گمراه آن‌ها که هرروز دارند علیه (اسلام و پیامبر صلی الله علیه وسلم) کینه ورزی و توطئه می‌کنند, این امر باعث مسرت شده که توانسته اند از داستان ازدواج پیامبر با حضرت زینب راهی بیابند که به شخصیت پیامبر صلی الله علیه وسلم آسیب رسانده و بهتان ها و اکاذیب زیادی را به ذات اقدس ایشان نسبت دهند. و می‌توان علت این امر را ذکر بعضی روایات کاذب و اسرائیلیات در بعضی کتب تفسیر عنوان کرد.

مستشرقان چه گمان کردند, با ذکر این مطلب که روزی پیامبر صلی الله علیه و سلم از کنار خانه زینب گذشت و زید آنجا نبود,ناگهان چشم پیامبر صلی الله علیه وسلم به ایشان افتاد و محبت ایشان در دلش وارد شد, وفرمود:(خداوند چه ذات پاکی است که قلب ما را دگرگون می‌کند!) و زینب حرف پیامبر را شنید و هنگامی که شوهرش زید به خانه برگشت ماجرا را برایش تعریف کرد.زید دانست که محبت و علاقه‌ی زینب در دل پیامبر صلی الله علیه وسلم جای گرفته به همین خاطر نزد ایشان رفت و گفت:(من می‌خواهم زینب را طلاق بدهم)

وپیامبر صلی الله علیه وسلم در حالی‌که قلبش در جای دیگر سیر می‌کرد فرمود: همسرت را در نکاح خویش نگهدار خلاصه اینکه زید او را طلاق داد تا پیامبر صلی الله علیه وسلم با ایشان ازدواج کرد!!! ابن عربی در رد این ادعای کاذب و توهین آمیز در تفسیر خویش (احکام القرآن) چنین می‌گوید: کسانی که می‌گویند پیامبر صلی الله علیه وسلم زینب را دیده و عاشقش شده این حرفشان بنابر دلایلی باطل است.

چرا که پیامبر صلی الله علیه وسلم همیشه و هرجا همراه زینب بود و در آن هنگام حجابی هم در میان نبود, با وجودی که هردو باهم بزرگ شدند و زیر نظر یکدیگر بودند در پیامبر صلی الله علیه وسلم هیچ احساسی نسبت به زینب پیدا نشد.پس چطور آن هنگام که زینب ازدواج می‌کند و جان و

روحش را تسلیم شوهرش می‌کند حالت پیامبر یکباره تغییر می‌خورد و احساسی که قبلا نبوده تبدیل به عشق و علاقه می‌شود؟!

ایجاد چنین ارتباط و علاقه ی فاسدی از چنان قلب اطهر و پاکی بدور است!

و دیگر اینکه خداوند به پیامبر صلی الله علیه و سلم چنین خطاب می‌کند

﴿ وَ لاَ تَمُدَّنَّ عَيْنَيْکَ إِلَى مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجاً مِنْهُمْ زَهْرَةَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ﴾ [۱]

و چشم خود را مدوز به زینت زندگی دنیا که گروه هایی از آنان را به آن بهره مند ساخته ایم تا ایشان را در آن بیازمائیم.

ابن عربی بدنبال این اسرائیلیات و روایات کاذب چنین بیان می‌دارد که تمام اینها روایات بدون سند و ساقط الاعتبار اند.

(نکته قابل تأمل) اگر نگاهی گذرا به تاریخ زندگی زینب (رضی الله عنها) و اوضاع و احوالی که در ازدواج او با زید وجود داشت بیندازیم, به این نکته پی خواهیم برد که عدم تفاهمی که

زینب با زید در زندگی مشترکش داشت بوجود آمده از اختلاف طبقاتی و اجتماعی بود که در آن زمان وجود داشت.

چرا که زینب از خانواده ای شریف و دارای شهرت بود؛ ولی زید تا دیروز غلام و برده ای بیش نبود و با این ازدواج خداوند می‌خواست زینب را مورد امتحان قرار دهد تا ریشه تعصب قومی و نژادی را در وجود او و دیگران خشکانده و این شرف و افتخار جاهلیت بطور کلی از بین برود.

---

[۱] وره طه آیه ۱۳۱

چـــون اســـلام شـــرافت و افتخـــار را در دیانـــت و تقـــوا گذاشـــته اســـت نـــه در مـــال,ثـــروت و قـــوم و قبیلـــه,پـــس هنگـــامی کـــه پیـــامبر صـــلی الله علیـــه وســـلم بـــه زینـــب پیشـــنهاد ازدواج بـــا زیـــد را مـــی‌دهـــد,ایشـــان بخـــاطر افتخـــار بـــه نســـب و قبیلـــه خـــویش امتناع می‌ورزد. تا اینکه خداوند این آیه را نازل نمود.

﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُبِينًا ﴾ [1]

هـــیچ مـــرد و زن مـــؤمنی، در کـــاری کـــه خـــدا و پیغمبـــرش داوری کـــرده باشـــند اختیـــاری از خـــود در آن ندارنـــد. هـــر کـــس هـــم از دســـتور خـــدا و پیغمبـــرش ســـرپیچی کند، گرفتار گمراهی کاملاً آشکاری می‌شود.

بانزول وحی زینب (رضی الله عنها)درمقابل دستورپیامبرسرتسلیم رافرود آورد،وجان وروحش را به‌زید.تسلیم کرد.مورد آزمایش الهی قرار گرفت وظاهرأدرد و رنج رابرای او به دنبال داشت .

حضرت رسول اکرماز کوچکی زینب را می شناخت چون دختر عمه اش بود،پس چه چیزی می توانست مانع از رسیدنآن دو به هم شود ؟انسان چگونه می تواندد‌خترجوانی را به دیگری تقدیم کندتاباواوازدواج نماید،سپس بعدازاینکه دوشیزگی اش رااز بین برد خودش به آن علاقه کند؟!واقعا که این ها قومی نفهم هستند؛چراکه دیگران رابه چیزی تعریف وتمجید می کنند که خودشان هم نمی دانند و به پیامبر چه کارهای زشت و عاری ازغیرت رانسبت می دهند!!

بشنو،سخنانشان راچه می گویند:آن چیزی که پیامبر دردلش مخفی نگهداشت محبت زینب بود به همین خاطر مورد عذاب خداوند قرار گرفت!

---

[1] سوره احزاب آیه ۳۶

شما خودتان فکر کنید آیا چنین بهتابی قابل پذیرش است؟ آیا شخصی بخاطر اینکه دردلش احساسی نسبت به زن همسایه اش پیدا کرده وآن رامخفی نگهداشته مورد عتاب و سرزنش واقع می شود؟سبحانه الله؛این بهتان بزرگی است.

درآیه ی شریفه باصراحت و وضوح کامل چنین آمده:خداوند آنچه راتومخفی می کنی آشکار خواهد نمود.

بعداز نزول وحی خداوند چه چیزی راظاهرکرد؟آیا علاقه و عشق پیامبر به زینب ظاهر شد؟هرگز چنین نبود،وآن چیزی راکه خداوند ظاهر نمود علاقه پیامبر به اجرای دستورالهی بود؛تاباازدواج بازینب بدعت پسرخواندگی راازبین ببرد.ولی چون پیامبر اززبان درازی منافقان می ترسید که مبادا بگویند محمد باعروسش ازدواج کرده به خاطر همین کمی درنگ کردتا اینکه خداوند آنچه راکه پیامبر دردل مخفی می کرد آشکارنمود وفرمود : ﴿ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَراً زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لاَ يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَراً وَ كَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولاً ﴾ [1]

(هنگامی که زید نیازخود رابدوبه پایان برد،مااورا به ازدواج تو درآوردیم تامشکلی برای مومنان درازدواج با همسران پسر خوندگان خودنباشد.)

دراینجاست که گمان های کاذب این مکاران وفریبکاران درمقابل آیات روشن الهی ودیگر دلایل انکارناپذیر،باطل می شود؛دلایلی که برعصمت وپاکی پیامبر(درآنچه این مغرضان به ذات او نسبت می دهند)دلالت دارد.

۷-حضرت ام سلمه (هند)بنت ابی امیه(رضی الله عنها)

حضرت رسول الله باام سلمه(رضی الله عنها)درحالی ازدواج نمود که ایشان بیوه بود .شوهرش (عبدالله بن عبدالاسد)

---

[1] سوره احزاب آیه ۳۷

ازکسانی بود که پیش ازهمگان به اسلام گروید،او و همسرش بخاطر نجات دینشان بسوی حبشه هجرت کردند،ودراین زمان بود که ام سلمة فرزندش(سلمة)رامتولدنمود.شوهرش عبدالله درغزوه احد شهید شد .ام سلمة (رضی الله عنها)با چهار فرزند یتیم بدون هیچ کفیل وسرپرستی تنها ماند،رسول اکرم برای تسلای دل او و فرزندانش وجبران مصیبتی که به آن ها واردشده بود راهی غیرازدواج با ایشان ندید.

هنگامی که پیامبر از ایشان خواستگاری نمود ،ایشان شروع به بیان عذر نموده و گفتند:(من زنی مسن و مادر چمد بچه ی یتیم هستم ونسبت به بچه هایم حساسم) پیامبر درارسال جواب به ایشان فرموند:(سرپرستی فرزندان یتیم ات را به عهده می گیرم و ازخداوند می خواهم تا این غیرت و حساسیت را از دلت بردارد و ضمناً نگران تفاوت سنی هم مباش)

پیامبر بعد از موافقت ام سلمة(رضی الله عنها)با ایشان ازدواج نمود،و به ترتیب صحیح فرزندانش همت گماشت ،و محبتش را با آن ها تقسیم نمود ؛بگونه ای که هیچ گاه فقدان پدر را احساس نکردند،چونکه خداوند پدری مهربانتر ازپدرشان به آن ها داده بود.(یعنی پیامبررا)

حضرت ام سلمة (رضی الله عنها)علاوه براینکه ازهمه جلوتر اسلام اورده ودرخانه مبارک پیامبر سکونت می کرد،دارای قبیله و نسبی شریف هم بود .وبعنوان دلیل می توان به مشاوره پیامبر باایشان اشارع نمود.

پیامبر درمورد یک امربسیارمهمی که باعث ناراحتی او سایر مسلمانان شده بود باایشان مشورت نمود ومطابق رای ایشان آن نیزعمل کرد.این ماجرا درصلح حدیبیه اتفاق افتاد مفاد این صلح نامه طوری بود که باعث تاثرو تاسف مسلمانان شد،چرا که درصلح نامه قیدشده بودکه تاده سال نباید هیچ درگیری صورت بگیرد البته باشرایطی که مشرکین مطرح نموده بودند.مسلمانان

ازپـذیرفتن ایـن شـرایط ناراحـت و غمگـین بودنـد چـون باعـث نقـض حقـوق آن هـا می،شـد(با وجـودی کـه مسـلمانان دراوج قـدرت بودنـد)بخاطر ایـن امـر نـاگوار و شکسـته شـدن غرورشـان،هنگامی کـه پیـامبر بـرای بازگشـت بسـوی مدینـه و خـارج شـدن ازاحـرام دسـتور بـه تراشـیدن و کوتـاه کـردن موهـا داد،آن هـا دراجـرای دسـتورخود کمـی درنـگ نشـان دادنـد ودرآن لحظـه ازشـدت نـاراحتی هـیچ یـک ازصحابه(رضی الله عنهم)بدستورپیامبر عمل نکردند.

سـرانجام پیامبربـه خیمـه همسـرش اسـم سـلمة (رضـی الله عنهـا) رفـت و بـه ایشـان فرمـود :(ایـن مـردم هـلاک مـی شـوند چـرا کـه از دسـتورمن اطاعـت نکردند.)حضـرت ام سـلمة (رضـی الله عنهـا) کـار را بزچـرای پیامبراسـان نمـود وبـه ایشـان چنـین مشـورت داد کـه اول خـود آن حضـرت پـیش اصـحاب رفتـه وسـرخویش رابـرای خـروج از احـرام بتراشـند،دراین صـورت همـه صـحابه رفتـه وسـرخویش بـرای خـروج ازاحـرام بتراشـند،دراین صـورت همـه صـحابه بـدون هـیچ تردیـدی ازایشـان پیـروی خواهنـد نمـود،(چرا کـه نـی داننـد کـه ایـن یـک امـر قطعـی وانکـار ناپـذیر اسـت)و اینچنـین هـم شـد؛به محـض اینکـه پیـامبر ازخیمـه خـارج شـدبه حـلاق (آریشگر)دسـتورداد تامو هـای سرایشـان رابتراشـد،هنوز سـرمبارک نتراشـیده بـود کـه ناگهـان همـه صـحابه بـرای پیـروی ازپیـامبر ازیکـدیگر سـبقت جستندوسـرهای خـویش راتراشـیدندواز احـرام خـارج شـدند ،و ایـن کـارفقط بـا مشـورت ام سـلمة (رضـی الله عنها)صورت گرفت .

۸- حضرت ام حبیبه بنت ابی سفیان رضی الله عنها

درسـال هفـتم هجـری پیـامبر اکـرم بـا ام حبیبـه ازدواج نمـود ،درحـالی کـه ایشـان بیـوه بودند.شـوهرش (عبـدالله بـن جحـش) درسـرزمین حبشـه وفـات نمود.نجاشـی پادشـاه حبشـه طبـق و کـالتی کـه ازپیامبرداشـت ،ایشـان رابـه ازدواج پیـامبر درآورد وچهـار هـزار درهـم بعنـوان مهریـه بـه ایشـان پرداخـت نمـود و او رابـه همـراه شرحبیل بن حسنة به مدینه منوره فرستاد.

۹- حضرت جویریه بنت الحارث رضي الله عنها

رسول اللـع باجویریه دخترحارث (رئیس قبیله بنی مصطلق)ازدواج کرد.ایشان همشرقبلی (مسافع بن صفوان)بودند .مسافع درروز (مریسیع)کشته شد وهمسرش راتنها گذاشت تا اینکه بدست مسلمانان اسیر شد .مسافع از سرسخت ترین دشمنان اسلام بود،کسی که بیشترین خصومت راباپیامبر داشت.

(حکمت ازدواج پیامبر بایشان قبلا دربحث حکمت سیاسی گذشت .)

۱۰- حضرت صفیه بنت حُیی بن اخطب (رضی الله عنها)

ایشان یکی از بانوان بزرگ بنی قریظه بود که شوهرش درغزوه خیبرکشته شد و خودایشان بدست مسلمانان اسیرشد.وبنا حق انتخابی که پیامبر به ایشان داده بودند،ازدواج با رسول الله راپذیرفت وازامهات المومنین قرار گرفت .

۱۱- حضرت میمونه بنت الحارث الهلالیه (رضی الله عنها)

اسم ایشان (بره)بود،پیامبرنام ایشان رامیمونه تغییردادند.ایشان آخرین زنی است پیامبر بااو ازدواج نمود.

حضرت عایشه (رضی الله عنها)درمورد ایشان چنین می گوید:(ایشان باتقوا ترین فرد درمیان مابود وهمیشه صله رحم رابجا می آورد.)

حضرت میمونة (رضی الله عنها)همسرقبلی (ابی رهم بن عبدالعزی)بودند.درروایات چنین وارد شده حضرت عباس ایشان راترغیب به ازدواج با میمونة (رضی الله عنها)دادند.

خیر و نیکی و برکاتی که دراین پیوند مبارک وجود داشت برکسی پوشیده نیست، وقبیله ی ایشان کسانی بودند که همواره پیامبر رایاری و نصرت می کردند.

این بود نگاهی گذرا به زندگانی (امهات المومنین)همسران پاک وپیامبر کسانی که خداوند آن ها را مادران این امت قرار داد و به مصاحبت باپیامبر مفتخر ساخت و به آنان چنین خطاب نمود:

﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا ﴾ [1]

ازدواج رسول الله با ازواج مطهرات بنابر حکمت های زیادی بودکه پیامبر درآن مصلحت دین ،تشریع احکام و تالیف قلوب دیگر قبائل رامد نظر داشت.رسول اکرم بااین کار توانست بهترین و بزرگترین طوائف وقبائل رادرکنار خود جمع کند.

رسول الله ازدواج های خویش را بعدازهجرت درسالی که درگیری ها و کشت وکشتار درمیان مسلمانان ومشرکین به اوج خود رسید ،انجام داد.

این درگیری ها از سال دوم هجری آغاز شد تا اینکه درسال هشتم هجری باپیروزی مسلمانان وفتح مکه پایان یافت .

هرازدواجی که رسول اکرم انجام داد دلیل روشنی است برشهامت ،بزرگواری احسان و اهداف بلندی که پیامبر درپی آن بود .برخلاف گفته ی بعضی از نوطئه گران و یاره گویان غربی،که پیامبربدنبا‌ا هوا وهوس می بود درهمان دوران جوانی با دختران جوان وزیبا ازدواج می کردند نه بیوه زنان

---

[1] سوره احزاب آیه ٣٢

مسن.وچون قلب این مستشرقان غربی را زنگار ونقطه سیاه فراگرفته از دیدن حقیقت وپرتو های روشن آن کوراندوهیچ گاه بسوی حق دین حق پرستی راه نمی یابند.وخداوند زیبا فرموده:

﴿ بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ ﴾

بلکه حق رابه جان باطل می اندازیم.وحق مغز سرباطل راازهم می پاشد وباطل هرچه زودتر محو ونابود می شود.)

ماریه قبطیه بنت شمعون (رضی الله عنها)

هنگامی که پیامبر شروع به دعوت پادشاهان بسوی اسلام نمود ،نامه ای راهمراه باقصد به پیش مقوقس ،پادشاه مصرفرستادند،که درآن مقوقس رابه اسلام فرا خوانده بودند.

وقتی نامه به دست مقوقس رسید ایشان ازقاصد پیامبر به گرمی استقبال کرد ونامه راپذیرفت .چرا که او خبر داشت که پیامبر آخرالزمان می آید.لذا وقتی قاصد درباره ی پیامبر وخصوصیات ایشان پرسید یقین کرد که این همان پیامبراست.

سپس هدایای زیادی همراه بانامه ای بدین شرح برای پیامبرفرستاد:

(بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ لمحمدبن عبدالله مِنْ الْمُقَوْقِسِ عَظِيمُ الْقِبْطِ سَلَامٌ امابعد فَقَدْ قَرَأْتُ كتابك وَ فَهِمْتُ مَا تَدْعُو إِلَيْهِ وَ قَدْ عَلِمْتَ أَنَّ نَبِيّاً قدبقي وَ قَدْ كنت أَظُنُّ أَنَّهُ يَخْرُجُ بِالشَّامِ وَ قَدْ اكرامت رسولك وَ بَعَثْتُ اليك بِجَارِيَتَيْنِ لَهُمَا مكان فِي الْقِبْطِ عَظِيمٌ وَ كسوة وَ قَدْ أُهْدِيَتْ لك بِغَلَّةِ تركبها وَ السَّلَامُ)

به نام خداوند بخشنده ومهربان ،از مقومس رهبر قبطی ها به محمدبن عبدالله سلام عرض می کندامابعد:

من نامه ی شمارا خواندم آنچه رابه سوی آن دعوت می دهید درک نمودم ومن خبرداشتم که پیامبری باقی مانده ولی فکرمی کردم درسرزمین شام ظهور می کند ،من قصدشمارا گرامی داشتم وبرای شما دو کنیز فرستادم که میان قبطی ها از جایگاه خوبی برخوردارند همراه باپارچه ولباس ویک قاطری به شما هدیه نمودم تا آن راسوار شود .والسلام.

وآن دو کنیزیکی ماریه قبطیة ودیگری شیرین نام داشت .پیامبرماریه رابرای خویش نگهداشت وشیرین رابه حسان بن ثابت هدیه نمود.

پیامبرازماریه صاحب فرزندی به نام ابراهیم شدکه درهمان سن کودکی وفات نمود وماریه چون ولد پیامبر بود نمی توانست آن رابفروشد لذا او را نگهداشت.ازآنجایی که چون بین همسر و ام ولد تفاوت وجود داشت ایشان راهمراه باهمسران پیامبر ذکر ننمودیم.

حکمت تعدد زوجات

حضرت علامه تهانوی (رحمه الله): حکمت دیگری درباره ی تعدد زوجات رسول اکرم ﷺ ذکر می کند ومی فرماید:رسول الله ﷺ به این جهان فرستاده شد تا درهمه چیز الگویی برای جامعه ی بشری باشد ومردم همیشه از ایشان پیروی کنند.

بر این اساس لازم بود تاهیچ امری از زندگی فردی واجتماعی ایشان بر امت مخفی نماند یعنی همانگونه که مردم ازامور اجتماعی ایشان در بیرون از منزل اطلاع کافی دارند,باید ازامور فردی وخصوصیات اخلاقی ایشان درمنزل ودرفضای خانواده نیز باخبر باشند,واین امر ممکن نبود مگر از طریق همسران پیامبر ﷺ به همین خاطر تعداد همسران رسول الله ﷺ بعد از خدیجه الکبری به ده تن رسید.چرا که برای ثبوت وقبول يك خبر تواتر لازم است,واز دیدگاه اهل اصول (اصول حدیث واصول فقه)برای متواتر شدن وبه اثبات رسیدن یک خبر لازم است که حداقل ده نفر آن را روایت کرده باشند.به

خاطرهمین وقتی تعداد همسران پیامبر ﷺ به ده نفر رسید خداوند ایشان را از ازدواج مجدد نهی فرمود کما اینکه در تفسیر آیه: ﴿ لاَ يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ ﴾ [1] (بعد از این دیگر زنی برای تو حلال نیست) چنین گفته شده است.

علامه تهانوی در باره ی تعددد زوجات سه نکته ظریف بیان می کند.

اول:حداقل جمع کثرت ده نفر است.

دوم:همچنین حداقل عدد تواتر ده نفر است.

سوم:تعداد همسران پیامبر ﷺ موافق باسال هایی است که ایشان در مدینه سکونت داشتند یعنی ده سال ده همسر.

به همین علت است که می بینیم حدوداً نصف دین از طزیق ازواج مطهرات به ما رسیده است.

امهات المؤمنین الگوی تمام زنان دنیا

بعد از اینکه آیه ی تخییر نازل شد وامهات المؤمنین با اختیار خویش خدا ورسول را بر دنیا و منافع آن ترجیح دادند.در واقع به درجه ای رسیدند که خداوند آن ها رامورد خطاب قرار می دهد ﴿ يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ مَنْ يَأْتِ مِنْكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ يُضَاعَفْ لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ ﴾ [2]

(ای همسران پیامبر!اگر شما مرتکب اشتباهی شوید عذاب شما دو برابر خواهد شد.)

---

[1] سوره احزاب آیه ۵۲

[2] سوره احزاب آیه ۳۰

در این آیه ,دفع مضرت قبل از جلب منفعت قرار داده شده و هیچ اهانتی متوجه امهات الؤمنین نیست ,چراکه خداوند به پیامبرش ﷺ خطاب می کند!

﴿ لَئِنْ أَشْرَكْتَ لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ ﴾ [1]

(اگر بالفرض شما شرک بورزید اعمال شما نابود می شود)

با این خطاب هیچ چیزی از قدرومنزلت پیامبر ﷺ کاسته نمی شود.چون قبلاً گفتیم دفع مضرب در ابتدا لازم است به عنوان مثال اگر کسی که می خواهد وضو بگیرد اول خودش را از نجاست پاک می کند و یا اگر دونفر باشند که یکی به طرف شماسیبی پرت کند ودیگری سنگی بیندازد مسلما شما اول سنگ را از خود دفع می کنید.

وچون امهات الؤمنین همواره زیر نظر پیامبر ﷺ بودند لذا الگوی تمام زنان قرار گرفتند بگونه ای که خداوند آن ها را خطاب می کند:(یضاعف لهاالعذاب) اگر فردی از شما مرتکب خطا واشتباهی شود,عذابش دوبرابر خواهد بود.چرا که شما الگوی دیگر زنان هستید و آنان از شما پیروی می کنند پس همانطوری که اجر وپاداش شما دوبرابر است عذاب و عقاب هم دو برابر است.

پس هنگامی که امهات المؤمنین به درجه والای اخلاقی و تربیتی می رسند خداوند آن ها را خطاب می کند که تقوا داشته باشید وبا ناز و کرشمه سخن نگوئید و همواره به نیکویی سخن بگوئید.درخانه هایتان بمانید و همانند زمان جاهلیت رفتار نکنید و هنگام خروج از منزل حجاب را رعایت کنید.(چون هنگامی که حسن و جمال زن پوشیده باشد مردان کمتر وسوسه می شوند)چرا که امهات المؤمنین اسوه ی دیگر زنان هستند.

---

[1] سوره زمره آیه ۶۵

مصلحت ها

اگر خوب بنگریم می بینیم که تعدد زوجات پیامبر ﷺ بی دلیل نبوده بلکه به دنبال آن فوائد دینی ومصالح بی شماری برای نهال تازهکاشته شده اسلام وجود داشت که تحققش در آن زمان و در آن قسمت از جزیرة العرب میسر نبود مگر باتعدد زوجات و ارتباط با طوائف وقبائل آن زمان.

بعنوان نمونه نگاهی به ازدواج ام المؤمنين صفية(رضى الله عنها)بیندازیم:یهودیان چه مخفیانه و چه آشکار در جنگ های آن زمان دست داشتند ولی بعد از ازدواج پیامبر ﷺ با صفیه می بینیم که یهود در هیچ جنگی علیه مسلمانان شرکت نکردو علت این کناره گیری چیز دیگری نبود جز ازدواج پیامبر ﷺ با صفية(رضى اللهدعنها)وایجاد پیوند بین دو آئین(اسلام و یهودیت)و ارتباط خویشاوندی با سردمدار یهودیان(پدر صفية).

همچنین نگاهی گذرا به ازدواج ام المؤمنين (ام حبیبه) بیندازیم,پدر ایشان ابو سفیان یکی از اشرف قریش بود که تمام برنامه ریزی های جنگی در خانه ایشان صورت می گرفت وزمانی که جرگه و گروهی برای جنگ تشکیل داده می شد بر تمام افراد قوم و قبیله لازم بود تا طبق سنت آبایی و اجدادی زیر یک پرچم گرد هم آیند و ابو سفیان یکی از فرماندهان قریش بود که درغزوه احد,حمراء الأسد,بدر و احزاب و دیگر غزوات فرماندهی لشکر را بعهده داشت,ولی بعد از ازدواج پیامبر ﷺ با ام حبیبه(رضى الله عنها),ابو سفیان رهبری هیچ جنگی را بر علیه مسلمانان نپذیرفت و درهیچ معرکه ای دیده نشد پس با این همه آیا کسی می تواند ادعا کند که این وصلت در کناره گیری ابوسفیان بی تأثیز و بی اهمیت بوده؟!

هنگامی که رسول الله با حضرت جويرية(رضى الله عنها) ازدواج نمود پدر ایشان یکی از رهزنان معروف بود که نسبت به مسلمانان عداوت وکینه

داشت وقبیله مشهور ,قدرتمند,وپرجمعیت بنی مصطلق در هر معرکه ای بر علیه مسلمانان حاضر می شد ولی بعد از ازدواج پیامبر ﷺ با جویریة پدرش خود را از غارت گری ها ودرگیری هایی که برعلیه مسلمانان صورت می گرفت کنار می کشد و درهیچ جنگی شرکت نمی کند,آیاعلت این چیز دیگری جز ازدواج پیامبر ﷺ می تواند باشد؟!

همچنین ازدواج پیامبر ﷺ با حضرت میمونة (رضی الله عنها)خالی از حکمت نبود بلکه تأثیر زیادی در ایجاد امنیت و آرامش و اشاعه ی فرهنگ اسلامی در منطقه نجد داشت.چرا که خواهر حضرت میمونة(رضی الله عنها) در نکاح سردار(نجد)بود.اهل نجد کسانی بودند که از پیامبر ﷺ خواستند تا افرادی را پیش آن ها بفرستد تا احکام شرعی رابه آنان تعلیم دهند,وقتی پیامبر ﷺ هفتاد واعظ و دعوتگر رابه منطقه نجد فرستاد اهل نجد توطئه کردند و همه ی فرستادگان رسول الله ﷺ را ترور کرده و از دم تیغ گذراندند.

پس ازدواج پیامبر ﷺ فوائد زیادی بدنبال داشت چرا که باعث خنثی کردن توطئه دشمنان ,بازگشت امنیت وثبات ,نشر تعالیم و فرهنگ اسلامی و اصلاح امور اجتماعی و شهری شد و این امر بر همگان هویدا است و کسی منکر آن نیست.

ازدواج رسول اکرم ﷺ با حضرت زینب بنت جحش ,عالیه و حفصه(رضی الله عنها)بنابر مصالح و اهداف بسیار بزرگی بود که متأسفانه بسیاری از آن غافلند.

ازدواج پیامبر ﷺ با زینب (رضی الله عنها) باعث از بین رفتن بدعت پسر خواندگی و باعث باطل شدن عقیده تثلیث شد که مسیحیان به آن معتقد بودند (چون مسیحیان حضرت عیسی را پسر خدا می دانستند,و ازدواج پیامبر ﷺ با زینت (رضی الله عنها)خط بطلانی بود برعقیده ی باطل آن ها؛چرا که پیامبران هم

همانند دیگر انسان ها هستند،می خورند ،می خوابند،ازدواج می کنند،پس هیچ نسبت نسبی بین حضرت عیسی (ع)و خداوند وجود ندارد همانگونه که هیچ نسبت نسبی بین حضرت پیامبر ﷺ وزید بن حارثه وجود نداشت ،وپیامبر می توانست باهمسر زید(زینب)بدون هیچ ممانعت شرعی ازدواج کند)واین اصلاحات زمانی در عقیده مشرکین واهل کتاب پدید آمد که پیامبر ﷺ با زینب ازدواج نمود.

همچنین بعد از ازدواج عایشه و حفصه (رضی الله عنها)حوادث خارق العاده دیگری همچون حفظ کتاب الله ،انتشار احادیث و سنت نبوی،تعلیم احکام شرعی به زنان بوجودآمد وتمام این ها فوائد و منافعی است که پیامبر ﷺ برای تحقق پیدا کردن آن از انجام هیچ کاری دریغ نمی کرد.

آنچه گفته شد بخشی از حکمت ها ومصالحی است که رسول الله ﷺ در هر ازدواجی بدنبال آن بود و برشمردن تمام آن ها از توان این نوشتار خارج است.

با این همه رسول اکرم ﷺ با تعدد زوجات می خواست به سنت انبیا گذشته عمل کند،وامروزه هر صاحب عقل و خردی معترف است که اقدام پیامبر برای ازدواج کار شایسته و مفیدی بود ،چرا که اگر پیامبر ﷺ این کار را انجام نمی داد،امت اسلام و دولت تازه تاسیس مسلمانان از مصالح و منافع بی شماری محروم می ماند و این مغایر بود با مقام پیامبری که بعنوان دعوتگر ورحمت برای جهانیان فرستاده شده است.

ازواج مطهرات در عرصه ی روایت حدیث

ازواج مطهرات در زمینه ی روایت حدیث خدمات درخشانی انجام دادند بگونه ای که از بسیاری مردان پیشی گرفتند .چرا که آنان همواره با پیامبر ﷺ بودند و از اتفاقاتی که در محیط خانه می افتاد آگاهی بیشتری داشتند به خصوص در امورزنان و ویژگی های اخلاقی پیامبر ﷺ ومعاشرت خوب ایشان با

همسران,لذا برای روشن شدن این مطلب اقدام به جمع آوری روایات آنان نمودیم که در مجموع به ۲۸۱۷ حدیث می رسند.

مرویات هر یک از این بانوان بزرگ اسلام به شرح ذیل می باشد:

حضرت عایشه (رضی الله عنها)۲۲۱, حضرت ام سلمة(ارضی الله عنها)۳۸۷,حضرت میمونه (رضی الله عنها)۷۶,حضر رضی الله عنهات ام حبیبه ۶۵,حضرت حفصه (رضس الله عنها)۶۰,حضرت زینب بنت حزیمة(رضی الله عنها)۱۱,حضرت صفیه (رضی الله عنها)۱۰,حضرت جویریه (رضی الله عنها)۷,حدیث روایت کرده اند.

حضرت ام المومنین خدیجه و زینب بنت جحش به علت اینکه در حیات رسول الله وفات کرده اند مرویانی ندارند.

شجره همسران انبیای گذشته

یهودیان,مسیحیان وخاور شناسانی که انگشت اتهام رابه سوی پیامبر ﷺ دراز می کنند و می گویند چرا پیامبر ﷺ ازدواج های متعددی انجام داد باید به تاریخ انبیای گذشته نیز نگاهی بیندازند ,چراکه در میان پیامبران بنی اسرائیل پیامبرانی نیز هستند که ازدواج های متعددی انجام داده اند.

وعملکرد انبیای گذشته بهترین نمونه و بزرگترین دلیل بر صحت عملکرد پیامبر عظیم الشان اسلام است ,چرا که ایشان با تعدد زوجات به سنت انبیای گذشته عمل کردند.

مسیحیان به مجد و بزگواری حضرت ابراهیم (ع)معتقدند ونیز می گویند خداوند چنان وجاهت ومقامی به حضرت موسی(ع)اعطا کرده که به هیچ یک از انبیای بنی اسرائیل نداده است. پس بدیهی است که یهودیان و مسیحیان به

پیـــامبرانی همچـــون ابـــراهیم,یعقـــوب,موســـی,داود و عیســـی(ع)ایمان داشـــته وعملکـــرد آنان را صحیح شمرده وبه آن اعتقاد راسخ دارند.

بعـــد از ایـــن اعتـــراف بـــه ذکـــر چنـــد تـــن از انبیـــای گذشـــته کـــه دارای ازواج متعـــددی بودنـــد مـــی پردازیم.(برگرفتـــه از کتـــب معتبـــر یهـــود و نصـــارا بـــا ذکـــر منبـــع و مأخذ)

حضرت ابراهیم(ع)

همسران:

۱- هاجر - **فرزند:** اسماعیل - **منبع:** التکوین۱۶/۴

۲- ساره - **فرزند:** اسحاق - **منبع:**التکوین۱۸/۱۵

۳- قطوره - **فرزند:** زمران,یقشان,مدان,مدیان - **منبع:** التکوین۲۵/۱

حضرت یعقوب(ع)

همسران:

۱- لیئة - فرزندانش: رأوبین,شمعون,لاوی و....

۲-زلفه - فرزندانش: جدو آشر

۳ – راحیل - فرزندانش: یوسف وبنیامین

۴ – بلهة - فرزندانش: دان و نفتالی

مرجـــع ومأخـــذ:١- التكـــوين ٢٩/٢٣ ٢- التكـــوين٢٩/٣٤ ٣- التكـــوين٢٩/٢٨ ٤- التكوين ٢٩/٢٩

حضرت موسی (ع)

همسران : ١- صفوره - فرزندان: جرشوم و عیزر

٢-جیشیة ٣- دخترقینی ٤- دختر حباب

مرجـــع ومأخـــذ: ١- الخـــروج٢/٣١ ٢- الخـــروج٢/٣١ ٣- القضـــاة١/١٦ ٤- القضاة٤/١٦

حضرت داود(ع):

همسران: ١- اخنوعم فرزند: امنون البکر

٢- ابی جیلی. فرزند: کلیاب

مرجـــع و مأخـــذ: ١- صـــموئیل الاول٢٦/٢٣ ٢- صـــموئیل الاول ٢٦/٣٣ ٣- میکـــل دختـــر ســـاول صـــموئیل الاول١٨/٢٧ ٤- مکعـــة دختـــر تلمـــی صـــموئیل الثـــانی الاصـــحاح الثلالـــث ٥-حجیـــت صـــموئیل الثـــانی الاصـــحاح الـــثلاث ٦-ابیطـــال صـــموئیل الثـــانی الاصـــحاح الثالـــث ٧-عجـــلاه صـــموئیل الثـــانی الاصـــحاح الثالـــث ٨- دختـــر ســـبع صـــموئیل الثـــانی ٣/١١-٢٦ ٩- ابـــی شـــاغ صـــموئیل الثـــانی ١٠-حضـــرت داود ده تـــا همســـر دیگـــر داشـــتند کـــه از کنیـــزان بودنـــد صـــموئیل الثـــانی ٢٠/٣٠

حضرت سلیمان

حضـــرت ســـلیمان علیـــه الســـلام هـــزار تـــا همســـر داشـــتند کـــه هفـــت صـــدتای آنـــان از زنان آزاده بودند و بقیه از کنیزان بشمار می آمدند.

الملوك الاول۱۱/۳

همچنین در اصحاح از انجیل(رقم ۲۵) چنین ذکر شده: (آنجا که حضرت عیسی علیه السلام از آمدنش (از آسمان) سخن گفته، اسامی ده زن را نام برده که با آنان ازدواج می کند. پس چنین معلوم می شود که تعدد زوجات کار شایسته ای است که حضرت مسیح آمدنش را این چنین به تصویر می کشد.

بر این اساس هیچ یک از یهودیان، مسیحیان و انسان های جهان حق ندارد انگشت اتهام را بسوی پیامبر صلی الله علیه وسلم دراز کند چرا که ایشان به سنت انبیای گذشته عمل کردند.

توان جسمی پیامبران

یکی از بزرگترین مسوولیت هایی که تاکنون به عهده بشر گذاشته شده مسوولیت خطیر رسالت است، از این جریان چنین بر می آید که شخص پیامبر صلی الله علیه وسلم دارای ویژگی ها و امتیازات و توان جسمی است که آن را از دیگر افراد بشر متمایز می سازد، چرا که مسوولیت رسالت کار بسیار دشواری است که هر کس نمی تواند از عهده آن برآید.

در روایت آمده که پیامبران به اندازه چهل مرد بهشتی توان و قدرت جسمی دارند. چناچه در داستان حضرت موسی علیه السلام آمده که ایشان زمانی که می خواستند به گوسفندان آن دو زن آب دهند، سنگی را که بر دهانه چاه گذاشته بود به تنهائی بلند کرد در حالی که چهل مرد آن را به زور بلند می کردند.

از ابن عباس رضی الله عنه در مورد تفسیر این آیه ﴿ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ ﴾ [1]

چنین روایت شده: **(حرک حَجَرًا عَلِيِّ الرکية لَمْ يَسْتَطِعْهُ ثَلَاثُونَ رَجُلًا فَأَزَالَهُ عَنْ الرکية)**[2]

حضرت موسی (علیه السلام) سنگی را که بر چاه گذاشته بود به تنهائی بلند کرد و آن را کنار زد در حالی که سی مرد نمی توانستند آن را حرکت دهند.

همچنین از مجاهد در مورد تفسیر آیه ی (ان خیر من استأجرت القوی الامین) روایت شده:**(رَفَعَ حَجَرًا لاَ يَرْفَعُهُ الافئام مِنْ النَّاسِ)**[3]

حضرت موسی علیه السلام سنگی را بلند کرد که گروهی از مردم آن را بزور بلند می کردند.

پیامبر به دنبال اشباع غریزه نبود

قبلا بیان نمودیم که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم بعد از سن پنجاه و پنج سالگی اقدام به ازدواج های متعدد نمود، و اگر چناچه ایشان بدنبال ارضای غریزه خویش می بود باید زودتر اقدام می کرد.

پیامبر صلی الله علیه وسلم همانند دیگر انبیا به اندازه چهل مرد بهشتی توان و قدرت جسمی داشت. چناچه در روایت آمده است:**« أَخْبَرَنَا عبدالله بْنِ**

[1] سوره قصص آیه ۲۶

[2] تفسیر طبری ج ۱۱ ص ۷۰

[3] تفسیر طبری ج ۱۱ ص۷۱

موسی عَنْ أُسَامَةَ بْنِ زَيْدٍ عَنْ صَفْوَانَ بْنِ سُلَيْمٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَتَانِي جِبْرِيلُ بِقِدْرٍ فأكلت فَأَعْطَيْتُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا فِي الْجِمَاعِ »[1]

از رسول الله صلی الله علیه وسلم روایت شده است که فرمودند: حضرت جبرئیل (علیه السلام) با ظرفی (از غذا) نزد من آمدند و من از آن خوردم و در نتیجه قدرت چها مرد در جماع (عمل زناشوئی) به من داده شد. و در روایتهای دیگر نیز چنین آمده است:

(أَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عبدالله الْأَسَدِيِّ وَ قَبِيصَةَ بْنِ عُقْبَةَ قَالا أَخْبَرَنَا سُفْيَانَ عَنْ مَعْمَرٍ عَنِ ابْنِ طَاوُوسٌ عَنْ طَاوُوسٍ قَالَ أُعْطِيَ النَّبِيُّ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا فِي الْجِمَاعِ)[2]

از طاووس روایت شده که فرمود: (به رسول الله صلی الله علیه وسلم قدرت چهل مرد در جماع داده شده است.)

در روایت دیگر آمده **(أَعْطَيْتَ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ فِي الْبَطْنِ وَ الْجِمَاعِ)**[3]

رسول الله صلی الله علیه وسلم فرمودند:(به من قدرت چهل مرد در خوردن و جماع کردن داده شده است.)

از این روایت ها چنین بر می آید که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به اندازه چهل مرد (بهشتی) قدرت داشتند. پس اگر چناچه بدنبال خواهش های نفسانی می رفت باید طبق قدرتی که داشتند زنان زیادی را ازدواج می کردند چون پیامبر صلی الله علیه وسلم به اندازه چهل مرد قدرت داشت و هر مرد در دنیا اجازه نکاح چهار زن را دارد. پس در نتیجه پیامبر صلی الله علیه وسلم باید دارای صد و شصت همسر می بود.

---

[1] طبقات ابن سعد وصف جماعه

[2] مرجع سابق .

[3] اتحاف السادة المتقين للزبيدى ۷/۱۴۱

همچنین در احادیث آمده که پیامبر به اندازه چهل مرد بهشتی قدرت داشتند و هر مرد بهشتی به اندازه هشتاد مرد و درروایتی به اندازه صد مرد (در دنیا) قدرت دارد چنان که در این روایات آمده است:

(أَخْبَرَنَا مالک بْنِ إِسْمَاعِيلَ أَخْبَرَنَا إِسْرَائِيلُ عَنْ حَيْثُ عَنْ مُجَاهِدٍ قَالَ أُعْطِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بُضْعَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ أُعْطِيَ کل رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ بِضْعَ ثَمَانِينَ.) طبقات ابن سعد

از مجاهد روایت شده که فرمودند: (به رسول الله صلی الله علیه وسلم توان و قدرت چهل مرد بهشتی داده شده است که هر مرد بهشتی به اندازه هشتاد مرد (در دنیا) قدرت دارد.

همچنین امام احمد از زید بن ارقم روایت می کند که ایشان فرمودند: **(قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّي اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِنَّ الرَّجُلَ مِنْ أَهْلِ الْجَنَّةِ يُعْطِي قُوَّةَ مِائَةِ رَجُلٍ فِي الاكل وَ الشُّرْبِ وَالشَّهْوَةِ وَالْجِمَاعِ)**[1]

رسول اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: به شخص بهشتی قدرت صد مرد در خوردن و نوشیدن و شهوت و جماع کردن داده می شود.

از این روایت ثابت شد که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم به اندازه چهل مرد بهشتی قدرت داشتند که هر مرد بهشتی به اندازه هشتاد مرد و در روایتی به اندازه صد مرد قدرت دارد.

پس در نتیجه پیامبر صلی الله علیه وسلم به اندازه چهار هزار مرد قدرت و توان جسمی داشت و اگر چناچه پیامبر صلی الله علیه وسلم بدنبال خواهش ها و ارضای غریزه می بود، می توانست با شانزده هزار زن ازدواج کند، چرا که

---

[1] رواه احمد فی مسنده

ایشان قدرت چهار هزار مرد را داشت و هر مرد در دنیا اجازه نکاح چهار زن را دارد، پس در نتیجه چهار هزار مرد می توانند با شانزده هزار زن ازدواج کنند.

پس با این دلایل که بیان کردم مبرهن شد که رسول اکرم صلی الله علیه وسلم هیچ گاه بدنبال هوا و هوس و شهوت پرستی نبوده و از هر گونه اتهامی مبرا است چرا که ایشان فرموده اند:(**مَا لِي فِي النِّسَاءِ مِنْ حَاجَةٍ**)[۱] (من هیچ نیازی به زنان ندارم) و اگر با وجود این می بینیم که ازدواج های متعددی انجام داده، آن بنابر مصلحت امت بوده چناچه در صفحات گذشته بیان نمودیم.

دلایل که بیان شد برای رفع شبهه ی کسانی بود که به کتاب های آسمانی و عملکرد انبیای گذشته ایمان داشتند.

اما اگر افرادی که این شبهات و اتهامات را وارد می کنند، معتقد به هیچ کتاب آسمانی و مذهبی نیستند، عملکرد مشرکین مکه در قبال پیامبر صلی الله علیه وسلم برای رفع اتهامات و شبهات آن ها کافی است.

چرا که مشرکین مکه بنابر عداوت و کینه ای که به پیامبر صلی الله علیه وسلم داشتند، ایشان را ساحر، مجنون و کاذب خواندند، اما هیچ یک از آنان این جرأت را به خودش نداد که بگوید(نعوذ بالله) پیامبر صلی الله علیه وسلم تشنه قدرت و یا مست شهوت بود، چون آن ها ریاست تمام قبایل عرب را به ایشان پیشنهاد کرده و گفتند تمام سرمایه ها را در اختیار او می گذارند و بهترین دختران عرب را به نکاح ایشان در می آورند، بشرط اینکه از دعوتش دست بکشد. اما پیامبر صلی الله علیه وسلم در مقابل، دست رد به سینه آن ها زد و فرمود: من هرگز از دعوت بسوی یکتاپرستی دست نمی کشم.

---

[۱] اخرجه الدارمی فی النکاح.

اسوه ی جهان

امــروزه هــر فــردی از جامعــه ی بشــری دارای الگــویی اســت کــه در زنــدگی روز مــره خــویش از آن پیــروی مــی کنــد. و بهتــرین الگــو بــرای مســلمانان و تمــام جامعــه بشــری فــردی اســت کــه خداونــد او را برگزیــده و تربیــت نمــوده، کســی کــه اخلاقــش قــران، گفتــارش صــادقانه و زنــدگی اش مســالمت آمیــز بــود، و تمــام مــدارج اخلاق را سپری کرد و به قله رسید.

آری او محمــد مصطفاســت فخــر جهانیــان، رحمــت عالمیــان، کســی کــه تــا نســل بشر زنده است ممنون اوست.

علامــه ســید ســلیمان نــدوی در کتــاب خــویش (الرســاله المحمدیــة) ذکــر نمــوده کــه چگونــه پیــامبر صــلی الله علیــه وســلم بــرای تمــام طبقــات بشــر اســوه و الگــو اســت، و چگونــه مــی توانــد بــا وجــود اختلافــات فکــری و دینــی و اوضــاع متفــاوت هــر زمــان، الگوی تمام انسان ها باشد.

ایشــان مــی فرمایــد: زنــدگی پیــامبر صــلس الله علیــه وســلم امــور بســیار زیــادی را بــرای مــا بــه تصــویر مــی کشــد کــه مــی تــوان آن را بعنــوان الگــو و برنامــه ای جــامع بــرای انســان هــا قــرار داد، چــرا کــه پیــامبر صــلی الله علیــه وســلم دارای اخلاقــی عــالی، عــادات حســنه، احساســات پــاک، اندیشــه هــا و شــیوه هــای فکــری معتــدل و درســتی بــود که ایشان را از دیگران متمایز می ساخت .

پــس اگــر شــما شــخص توانمنــد و ثروتمنــدی هســتی، بــه پیــامبر صــلی الله علیــه وسـلم اقتـدا کـن آنگـاه کـه در بـین حجـاز و شـام تجـارت مـی کـرد و هنگـامی کـه خـزائن بحرین را بدست آورد.

و اگـر چناچـه شـخص فقیـر و تنگدسـتی هسـتی بـاز هـم از زنـدگی پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم درس بگیـر، هنگـامی کـه در شـعب ابـی طالـب محاصـره شـده بـود، و آنگـاه کـه از مکـه وطـن خـویش بسـوی مدینـه هجـرت کـرد و هـیچ چیـزی از مـال دنیـا به همراه نداشت.

و اگـر پادشـاهی، سـنن و افعـال پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم را الگـوی خـود قـرار بـده، زمـانی کـه رهبـری قـوم عـرب را بدسـت گرفـت و بـر آن هـا غلبـه حاصـل کرد و همه تسلیم امر او شدند.

و اگـر فـرد ضـعیفی از افـراد ملـت هسـتی، بـاز هـم زنـدگی پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم بایـد بـرای شـما درسـی باشـد، آنگـاه کـه در مکـه طبـق نظـام مشـرکین محکوم شد.

واگـر چناچـه بـر دشـمن پیـروز شـدی بایـد بـه زنـدگی ایشـان بنگـری، هنگـامی که بر دشمنانش در غزوه بدر، حنین و فتح مکه فائق آمد.

و اگـر چناچـه از دشـمن شکسـت خـوردی (خداونـد چنـین نکنـد) بـاز هـم از روز احـد درس بگیـر آنگـاه کـه پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم در میـان یـاران کشـته شـده و دوستان سر تا پا زخمی خویش قدم می زد.

و اگـر معلـم هسـتی، بـه عملکرد(پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم) نگـاه کـن زمـانی که به اصحابش در مسجد نبوی تعلیم می داد.

و اگـر دانـش آمـوزی، حالـت پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم را تصـور کـن زمـانی که در جلوی حضرت جبرئیل زانوی تلمذ می زند.

و اگـر مـی خـواهی حـق را قـائم کـرده و امـر بمعـروف کنـی، ولـی هـیچ یـار و یـاوری نـداری، بـاز هـم بـه پیـامبر صـلی الله علیـه وسـلم اقتدا کـن ، هنگـامی کـه تـک و تنها مردم را دعوت به حق می داد.

و اگـر پـدر و مـادرت را از دسـت داده ای بـه جگـر گوشـه آمنـه و عبـدالله نگـاه کـن کـه هـر دو وفـات کـرده انـد، در حـالی کـه فرزندشـان در حـال شـیر خـوارگی است.

و اگـر متـأهلی، سـیرت پـاک و زنـدگی سـاده ی شـوهر خدیجـه و عایشـه (رضی الله عنهما) را در ذهنت تصور کن.

و اگـر پـدر هسـتی ، در تربیـت فرزنـدانت، شـیوه هـای تربیتـی پـدر فاطمـة الزهرا و پدر بزرگ حسن و حسین (رضی الله عنهما) را مورد مطالعه قرار بده.

آری سـیره خـوب سـیره ی پیـامبر عظـیم الشـان اسـلام اسـت، چـرا کـه یـک سـیره طیبـه و پـاک سـیره ای اسـت کـه تمـام مبـانی اخلاقـی را در بـر گرفتـه و جـامع تمـام امـور تعلیمـی و تربیتـی باشـد و سـیره ی رسـول اکـرم صـلی الله علیـه وسـلم از تمـام ایـن مزایـا برخـوردار اسـت و در تمـام ادوار زنـدگی بشـر مفیـد خواهـد بـود، پـس بـا عمـل کـردن بـه سـیره ی ایشـان، اطاعـت و بنـدگی انسـان بـرای خداونـد معنـای زیباتری پیدا می کند.

(رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا انک أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ)

پایان

دارالعلوم مکی زاهدان

فهرست منابع و مآخذ

نام کتاب:	نام مؤلف:
قرآن	....
بخاری	محمدبن اسماعیل بخاری
مسلم	مسلم بن الحجاج قشیری
مسند امام احمد	احمدبن محمدبن حنبل
ترمذی	ابوعیسی محمدبن عیسی
سنن دارمی	عبدالله بن عبدالرحمن
اتحاف السادة المتقین	الزبیدی
طبقات ابن سعد	محمد بن سعد واقدی
شبهات و اباطیل حول تعدد زوجات الرسولﷺ	علامه صابونی
الرسالة المحمد یة	علامه سید سلیمان ندوی
رحمة للعالمین	قاضی سلیمان منصور فوری
تکمله فتح الملهم	علامه محمد تقی عثمانی
تفسیر طبری	محمد بن جریر طبری
الاصابة فی تمییز الصحابة	ابن حجر عسقلانی
التکوین من الا نجیل	....